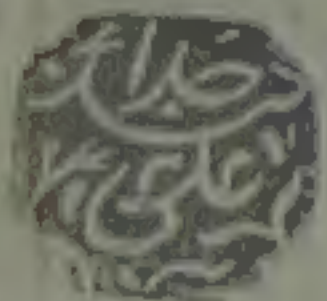
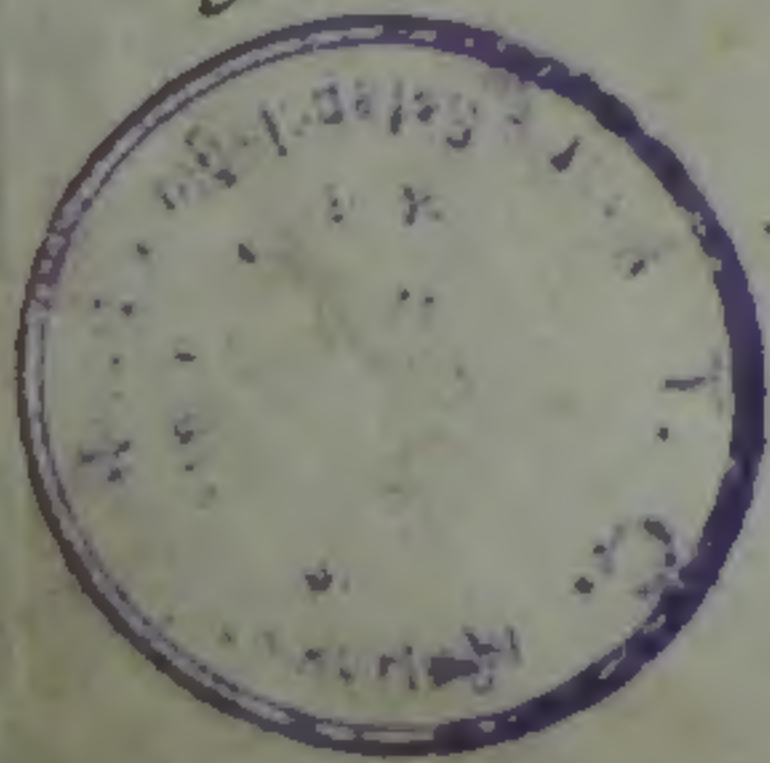


وقف پلاطون کتب خانہ



8086

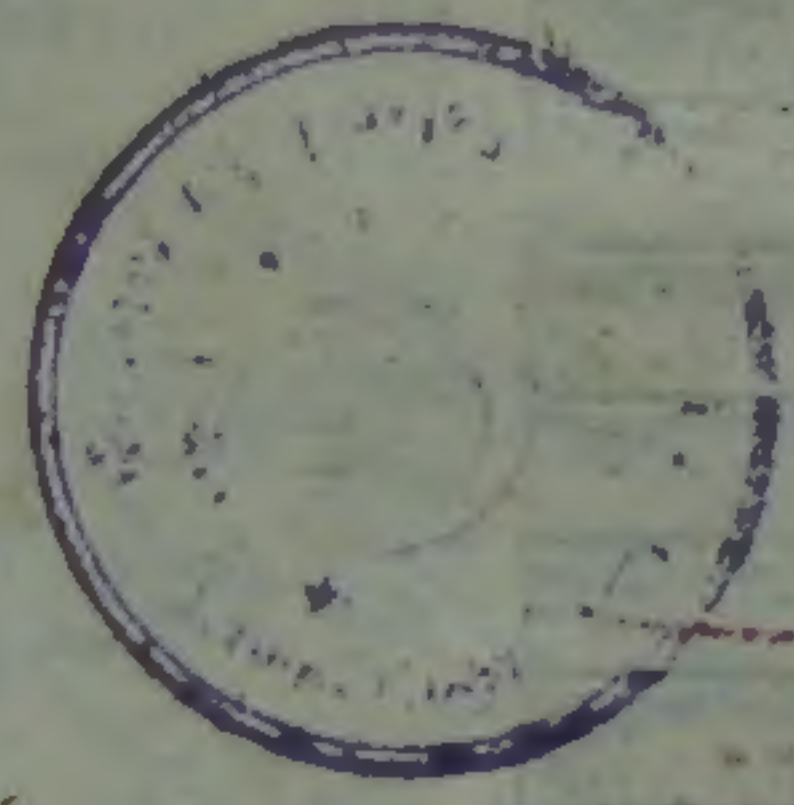
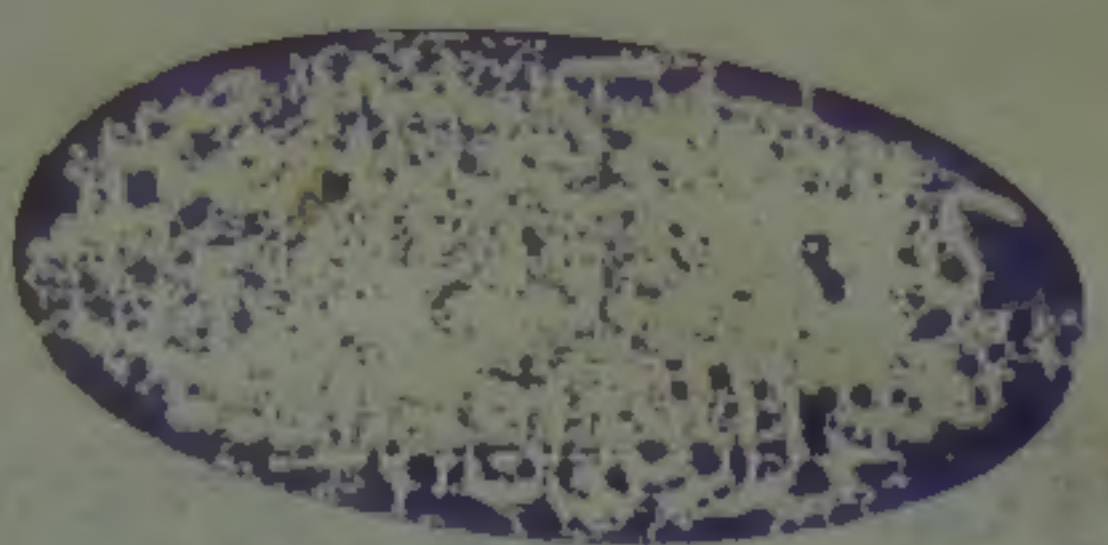


3540

Köyümüzün Adı: Köfçühanesi	
İzmir	
No	
No	282

هذا فهرس كتاب قايمة وايض
 ترتيب بين اجناس فصل في بوائخ لا يربط المسلم
 الورثة ^{الارث}
 باب معرفة ^{فصول الاناث} باب العصبية ^{١٢}
 باب الجب ^{١٤} باب مخارج ^{باب العول} ^{١٩}
 فصل معرفة الثقات ^{باب التصحيح} ^{٢٠} والتباضل ^{باب النواع} ^{٢٣}
 فصل قسمة المال ^{فصل في الخارج} ^{٢٨} بين الورثة ^{باب الرد} ^{٢٩}
 باب مقاسمة ^{باب المناقحة} ^{٣٥} ^{باب ذوق اللحم} ^{٣٩}
 صنف الاول ^{صنف الثاني} ^{صنف الثالث} ^{صنف الرابع} ^{٤٠} ^{٤١} ^{٤٢} ^{٤٣}
 فصل في اولادهم ^{فصل في الحنث} ^{٥٢} ^{فصل في الحل} ^{٥٤} ^{فصل في المفقود} ^{٥٨}
 فصل في المرتد ^{فصل في الاسير} ^{٦١} ^{فصل في الغرق والحرق} ^{٦١}

تمت فهرس الكتاب
 بعون الله الملك الوهاب
 محمد بن محمد
 الكاتب



[illegible]

ارباب فنم فرائض عرفنده از ندن مانع بر نشیده که انک سببی اهل اهلیت ارث
فوت اولور اما بر شنی سببی ایلر ارث فوت اولو ب اهلیت ارث فوت اولویه
اول شنی موانع اول نماز **پس** شول گفته ده که اهلیت ارث فوت اید شنی
بولنه اول محرمدر شول گفته ده که ارث فوت اید شنی بولنه اول محرمدر **پس**
محرمدر و حجب حرام ایلر محرمدر بیک بیلر نده مدر فرق بودر و موانع مذکور شده
بر قدر اول مذکور که فن و یا کتاب کی کامل و که مدبر و ام اولو که بکسر

اعذر وجهين وآثرتهم فطردوا ضيقا وجبوا **معد**
 اعلم اني ارفع اليك السلام على نبينا محمد وآله
 النبوة. فان الانبياء عليهم السلام لا يرفعون اذواع
 عليه السلام نحن معاشرة الانبياء لا نرفع اذواع
 عن الولاية وهو **معد** خلاصة

اولسون زير آرد اهلليت ملك رقبه به اهلليت رقبه ايست رقبه ملكي شافيد
 اگر چه مكاتب كسي يد ملكي شافيد ملكي ايست ده **هذه هو الجاني من القصور**
 موافق مذکور در بجا دخی حکم قصاص و یا کفارت تعلقی این قتل در جنت است
 این باقی روضه تا غیر اولان فعل قائلان شت اید به بوقدر چه اثر فعل
 تعدی سندن ناشی اولان قتل صبیغی اولیوب نسبت اولو حیده ایست نسبت
 فعل کلد ر کذا فی **فرايض المحيط** و قتل دخی رت و صا و زره در بری **عده و**
 بری شبه **عده و** در بری خطا در بری خطا ایجا اولان اند را و لیکن در مجرم
 قود باقی کلد مال و کفارت در قاتل دخی قاتل و بالغ اولوب کلد قتل کجوق
 و یا بتاویل اولان کلد ر شطرنج کلد بر موجود اولوب قتل و جود و صیغی
 و کفارت تعلقی این در بجا دخی سبب اولان اگر شوال اولور
القائل لا یوسف حدیث شریفیست که در صورت ضرب و جرح اطلاق حرمان
 و کلد ر **کما یوسف** حدیث شریفیست که در صورت ضرب و جرح اطلاق حرمان
 جرمه در امان قتل صبیغی و جرح و یا بتاویل اولان دخی حقه لاق اید قتل
 مخلور اولش اولان **هذه عند الجینه و غیر** کلد نسبت دخی قتل صبیغی
 کلد ر **کما یوسف** حدیث شریفیست که در صورت ضرب و جرح اطلاق حرمان
 مستیضا اولان تخفیف نفس طریقه سبک است که در خطا مقتول
 اولان تخفیف نسبت به سبب اولان کجوق اربعه تعلقی اید کلد قصاص
 و دینه صق ر حین نابندر **خلافا لمالک** موافق مذکور در بری دخی خطا
 ملین در زیر الخلاف و بیان مانع کلد ر بود و نصاری کجی و ملة تخفیف
 دخی مانع کلد ر زیر مسلم مرند و وارث اولور مرند که خود ملتی بود **پس**
 مانع ملین است اختلاف اید ملة خلاف مانع کلد ر **والفق و دقیق و**
 کافر کلد

نسبت ده مقتول در دخی صبیغی
 عاقل و از رینه دیت و جود اولور
 جرمه قتل اولان حرمان میر

و ذکر فی المسو القتل علی ثلثه اقسام
 عده و خطا و شبه عده و کان البکر الازلی
 یقول یوسف اقسام عده و شبه عده و خطا
 و جرح خطا و قتل بالنسب و جرح الخطا
 ضررون

کافر کلد وارث اولان خطا یوقدر اما کلد وارث جرح
 علی وزید بن ثابت و عامه صحابه کرام رضوان الله تعالی علیهم اجمعین قتلنده
 مسلم کافرون وارث اولان ایله علم افر و امام شافعی دخی استیخا نابندر
 اخشا افسل در اما عا ذر جیل و معاویه ابن ابی سفیان قولنده و ابی بن
 کعب حدیث اید قولنده کلد سر و ق و حسن و محمد بن الحنفی و غیر علی
 بر حسن رضوان الله تعالی علیهم اجمعین قتلنده مسلم کافرون وارث اولور
 قیاسا وجه قیاس مبنای میراث اولان و لا یندر که مسلم کافر از رینه شافعی
 مقبوله اولوب و شهادت باب و لا یندر که مسلم کافره و لا یندر حیدر
 وارث اولور **بخلاف الکافر** کلد مسلم مرند دخی وارث اولور
علی رأی المخالف اما وجه استحسان **لا یتوارثون اهل الملکین**
شیخی لا یتوارث المسلم الکافر ولا الکافر المسلم حدیث شریفیست
الاسلام یعلو ولا یعلی حدیث شریفیست که در صورت ضرب و جرح اطلاق حرمان
 زیر اعلو نفس اسلامه اولوب یا خور خطا یا خور جرح یا خور جرح یا خور جرح
 فی العاقبه اولی و محتمل در **عند التعارض** اصل حمل محتمل علی النصدر
 وجه استحسان امام عظم قنده اید مرند حال اسلامه مسند و مغلله کان
 مسلم سندن وارث اولش اولور اما **عند الامامین** مرند ما دیکه دار
 الاسلامه در روز رینه بعض احکام اسلام قائم اولوب حتی مالی ملک و نفیسی
 ارست قاق اولان از رینه جرمه مغلله اولان و خور و خور و خور و خور
 اولان مغلله اید ارست حقه اسلام از رینه ابقا جایز اولوب و قریب است
 ارش ایچون علت صلیح در جو مسلم مرند که جمله اید وارث اید بر امام
 اعظم مرند ده جواب **فی الجواب** بر سنده که املک باقیه و مستقر غیر

منه الى ابي بنيت واسمها الحاقه
ابنه كرمه اسمها طوقه
اعتبار ايدى عامه طوقه
اشارة وعبارته

فریق اول
ابن سید علیہ
ابن سید علیہ
ابن سید علیہ
ابن سید علیہ
فریق دوم
ابن سید علیہ
ابن سید علیہ
ابن سید علیہ
ابن سید علیہ
فریق ثالث
ابن سید علیہ
ابن سید علیہ
ابن سید علیہ
ابن سید علیہ

فمن قرأه في يوم الجمعة
أو في يوم الأربعاء أو في يوم الاثنين
أو في يوم السبت أو في يوم الثلاثاء
أو في يوم الأحد أو في يوم الخميس
أو في يوم الأربعاء أو في يوم الاثنين
أو في يوم السبت أو في يوم الثلاثاء
أو في يوم الأحد أو في يوم الخميس

پنهانده نسخه

الصورة الاولى من التفسير
 اسلام من ٨
 فريق اول
 فريق ثان
 صورة مرصودة

الصورة الاولى من الشبيب
فريق اول
فريق ثان
صورة مرقومه

	اصلا من ٦	والمضروب من ١٠	نصفه ٥٠
فريق اول	فريق ثلثي	فريق ثالث	
بن ع	بن هـ	بن د	بن ح
بن ف	بن ز	بن ي	بن ك
بن ط	بن ق	بن ر	بن س
بن ت			

الصورة الثالثة من التشيب

۱۰۴۰ - تصحیح مایلف

فان يفرق فان يفرق فان يفرق

اصلها من ۶	والمضروب من ۱۴	وتنتهي بـ ۸۴
فریق اول	فریق ثانیه	فریق ثالث
بین ... ۲۰	بین ... ۷	بین ... ۳
بین ... ۷	بین ... ۳	بین ... ۳
بین ... ۳	بین ... ۳	بین ... ۳
بین ... ۳		بین ... ۳

بمشکله ناک و فاضله السیدان اولوب سکن بنت علیادان مآخذ اولان فرد و ناک
سهای ایلمعد در اسیر بیننده مبانیت اولغله بریده ایکی و بریده بطریق
البسطیدر روس مآخوذه بیننده دفعی مبانیت اولغین ایکی یه دیر سیو بلخی
اصل شکله ضرب آتلهده مجموع سکن درت اولوب قاعده مضمونه اوزر نیمه
اصلدن هر وارث سهم ضرب اولان اول درده ضرب ایدیک بنت علیایه
توق ایکی و سکن صاحب لرینه یدیش و عصبانان ابنه سکن و ناکانه در درام
اصابت ایدر

تصحیح مابلغ

ابن قتيبة بن سعيد

اصحاب الدين
الصورة الرابعة من التشيب
والمضروب من ٢
فريق اول
فريق ثانى
فريق ثالث

بومشود در آئین اولوب کهن سید صاحب لوله سهار بر سینه زده تیان
وعصیه مقامه ماوند کرد در توافق بالنصف اولفله نصف دوم در تیان
کل ریس ایلی سینه زده داخل افرین اکثر عدد از صد ضرب تانده که صد و بیست و پنج مبالغ
یک مرتبه است اولو بعد هر وار نک امیلدن سخن مضروب مذکور در ده ضرب
ایدیک

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

صبا ابیله و ابن ابیله و ان سفل قطره و اب ایله قوطری و فی تحقیق
 علیه در لکن جدا ابیله امام اعظم قنده س قاطر و **خلا نام کا مستف**
فی باب الحقا ستمه ابیله الله تعالی پس بوجوه سقوط بنو الاعیان
 حالت خامه و بنو الاعیان حالت سابقه منتهی مستحکم که لکن بنو الاعیان
 اخ لا یون ابیله و فی س قاطر و راقول علیه السلام **ان اعیان بنی الام**
بتوار ثون دون بنی العلات زیرا میراث بنی الاعیان اولاد صلب
 میراث بنی امیه اولاد بر بنی کور و انان مشبه به مات ذکر
 و انان مقامه اولاد و اولاد ابن ابی صلب ایله مجبور و ایچ کذاک
 بنو العلات و فی اخ لا یون ایله مجبور و **من تمة الحاله اثابته**
لا حاله ثابته بنی العلات اما ام ایچون و فی احوال و در من
 الولد حق سید ولد و در فی کذا ذکر و کذا انی اولسون لقولک
ولا یوبیه کل واحد منهم السس ان کان له ولد لایه و الولد تینا ول
 الذکر و الا لشی و الاخصیص با صدام یا خود ولد ابن ابیله و فی ان سفل حق سید
 زیرا و قدین امه ولد ابن ولد صلب مقامه قاعده بالاجماع و افظ و لکن
 ولد ابنه بطریق الحقیقه ثابته اولاد و یوب و سوار الاجماع حقیقه صرفه فی
 دلیل اولاد فی اولاد اصحاب اولاد و **فتاقل** یا ضو و ضوة و ضو و ان ای شخص
 اوله حق ام سید ذکر اولاد ایضه و ضوات و ذکر که اعیان ذکر
 علایه و ذکر که اعیان ذکر که متفقین و ذکر که متفقین اولسون
 بونقد بر هر بری او جصوره اولور و **عنه اعلی قول جمهور العلماء لا اعلی**
قول الزیدیه و ابن عباس ام فرموده نک بر حق و فی بعد فرض احد الوجهین
 ثلث ما یستی در اولاد فی مسئله به خصوص در بر زوج و ابون و بر زوج
 زوجه و ابون

از انجا که ثلث ما یستی در سهرم یک مسئله در
 به اولاد که بر عورت فوت اوله و جریز
 و باه عوی و انان سنی که مسئله
 نصف و اولاد و باقی و در مسئله
 التي و در سنی او و جینه و ثلث ما یستی
 و باقی ایکی بابینه یا انان سنی و اولاد و جینه
 که نصفین و جی اولد و اولد و جینه
ایچ مسئله در اولد و اولد و جینه
 و باقی و باقی و باقی و باقی و باقی و باقی
 و ثلث ما یستی و اولد و اولد و جینه
 ربعی بر زوجینه و باقی ایچ بابینه
 ما یستی سید بر باقی و باقی و باقی و باقی
 ما یستی و باقی و باقی و باقی و باقی و باقی
 بکل که بونقد ما یستی و باقی و باقی و باقی
 نصیب باقی و باقی و باقی و باقی و باقی و باقی
 اگر انان سنی اولاد و باقی و باقی و باقی و باقی
 از حق و باقی و باقی و باقی و باقی و باقی و باقی
 لازم که اولد و اولد و باقی و باقی و باقی و باقی
 که اجماع است

از انجا که ثلث ما یستی در سهرم یک مسئله در
 به اولاد که بر عورت فوت اوله و جریز
 و باه عوی و انان سنی که مسئله
 نصف و اولاد و باقی و در مسئله
 التي و در سنی او و جینه و ثلث ما یستی
 و باقی ایکی بابینه یا انان سنی و اولاد و جینه
 که نصفین و جی اولد و اولد و جینه
ایچ مسئله در اولد و اولد و جینه
 و باقی و باقی و باقی و باقی و باقی و باقی
 و ثلث ما یستی و اولد و اولد و جینه
 ربعی بر زوجینه و باقی ایچ بابینه
 ما یستی سید بر باقی و باقی و باقی و باقی
 ما یستی و باقی و باقی و باقی و باقی و باقی
 بکل که بونقد ما یستی و باقی و باقی و باقی
 نصیب باقی و باقی و باقی و باقی و باقی و باقی
 اگر انان سنی اولاد و باقی و باقی و باقی و باقی
 از حق و باقی و باقی و باقی و باقی و باقی و باقی
 لازم که اولد و اولد و باقی و باقی و باقی و باقی
 که اجماع است

زوجه و ابوندر مسئله اولیه امیک صقی سس کل و نانیله ربع اولور اما
 مقام ابده جد اوله امیک صقی ثلث کله ریس و اولی مسئله التید لاولوب
 نصفی زوجه و ثلث ما یستی امه و باقی ابیله و اولور و فی نینه و در لکن
 اولوب ربعی زوجه و ثلث ما یستی امه و باقی ابیله و اولور و فی نینه و در لکن
و ابن سعود و زید ابن ثابت و یه اخذ جمهور المقصود ان تافض
یوافضنا فی جمیع احوالها الثلث لکن ابن عباس قولنده ای مسئله ده بیله
 و ابوبکر الاصح قولنده و معاذ بن عمرو اولان ام زوجه ایله اولد و فی زمان
 صقی ثلث کله ریس ابن عباس و دلیل قوله **ان لم یکن له ولد و ورثه**
ابو ایه فلامه الثلث ای که یکه سندن فهم اولان ثلث اصلد و در اما
 دلیل جمهور و نه مذکور و منضم اولان ابیله امیک و ثلث اولد و فی
 مالک ثلثه در کس جمیع مال و ذکر که بعضی اولسون که ثلث اصل مراد
 اوله **فلامه الثلث** قوله بیانده کفایت ابوب و **دورثه ابو ایه**
 قول شریخی خالیان عن الفایده اولق لازم کلودی در لکن و بعضی مسئله
 اصوله ابون و عروعه ابن و بنت کبیر در اننده سبیل ایچ اولوب
 و هر بری مسئله بلا واسطه متصل اولفله **بس** بعد فرض احد الوجهین
 ما یستی اولان بین الاب والام انما شاولور و نکم حق ابن بنت اخرون
 ابونیک حالت انفراد لکنه انما شاولد و فی کیم و الحاصل بر مقدمه فیکان
 نصیب ام نصیب اب و زیدیه زیاده اولماز **فلا مجال لما ذهب الیه**
الخالف بود فی معلوم اولاکه حق امه مع احد الوجهین که جبه ثلث
 باقی اطلاق اولنور اما کل مالک نسبت ایله فرموده نک بر صورتی مسئله
 سس و برنده و بعد لکن عند عدم الولد فرموده نک صقی ثلث اولد و

بیت کلی آف زده الویه اصدرو جینک
ام کی به اشتر طر اکوزو جینه بری
اختلافی ام - ننت مایبعی اولور
عدم اضطا ایدر سم

صورة المختلط

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

ارشد معصوم

آیه قرآن است قل
واحدة

دن روایت اولیٰ یعنی نقل ایدر یکن اصحاب شافعی و حسن
 الشیخ فی فیاضه مذکور اولان بوجوه صده البصیرة و امام
 مالک و امام شافعی و فی قول الامام ابو یوسف قول کبیر
وجه قول امام محمد استیفاء اعتبار بطلان استیفاء کلا در مثل آخر و مک
 حق ب استحقاقه منعدم اولیٰ و کلام دوم در حق منعدم قلند غریب اما
 شخصی و حدوده بسیار جمع اولیٰ حکما مستقدر و تعدد سبب اعتبار
 مثلا میت ایکی عمر او غولدر یک ترک ایدوب بر ارض لای اولیٰ و سبب غیبه
 و ضیاع سبب بر یکتا باقی بینهماده تصحیف و لنور کلا در کلام هر جزء
 ایکی عمر او غولدر یک ترک ایدوب بر روضی اولیٰ تصحیفی فرضا ایدوب
 باقی بینهماده عصوبه تصحیف اولیٰ و کلا در کلام بر رجوعی ایتی ترک است که
 مذکور اولیٰ بوجوه سبب استیفاء اولیٰ ام غریبه بوجوه سبب ایکی سبب ایله
 و ایدوب در خلاف **باب اولیٰ** و لم زیر البصیرة سبب متحد در که
 اخذ در یکن بوجوه و قوت در جهت ام ایضا ای ایله اخذ لاب و ام اخذ لاب
 اوزرینه تقدیم اولیٰ و **وجه قول امام محمد** و **وجه قول ابو یوسف** حدت
 اجول استحقاقی کلام مذکور ادلا اعتبار بطلان اولیٰ و سبب ایکی اسم صده اولیٰ
 سبب ایله در و بعد در جهت سبب ایله اسم متقد و اولیٰ از نیجه کلا در حدت
 ق اولیٰ و لنور امتلا مذکور بونکر خلا فیدر در رجوعی قریات ثلث صلیه سبب
 و کلام صلیه بی جمع اولیٰ و امام ابو یوسف قنده سبب بینهماده تصحیف
 اولیٰ و امام محمد قنده اربع اولیٰ و الله اعلم بالصواب



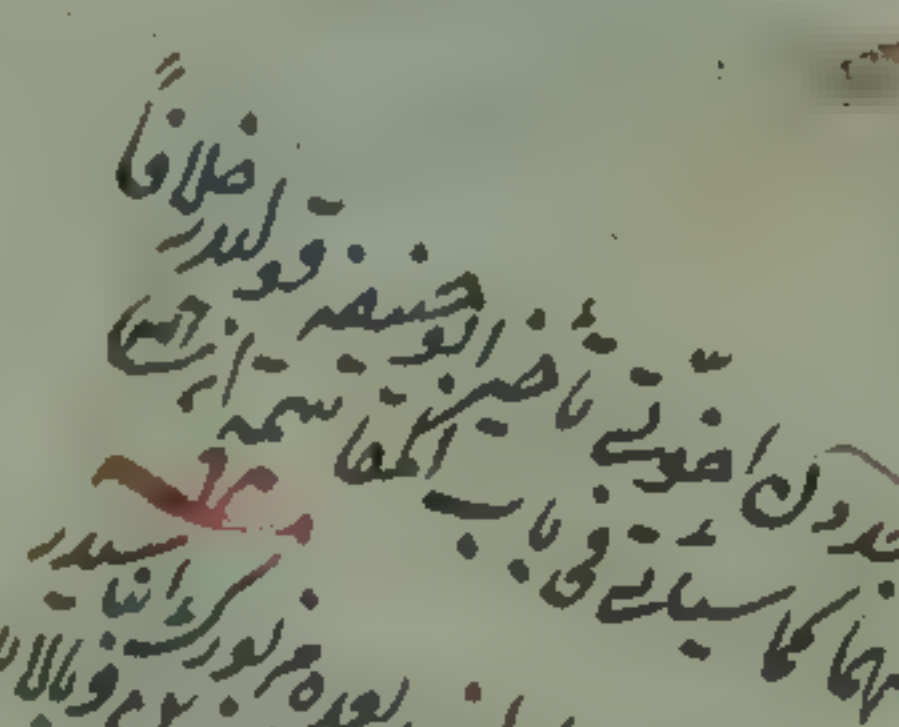
جذوة قرآنة واحدة
 من قبل اللاب فقط
 من طرف اللاب واللام
 ویکن ان یوجد جذوة
 قبل تمام بانه

باب العصبیات
 عصبه لغتله ابتداء رجله و قریب ایدوب و جمعه و مذکور و سبب
 توله ایدوب بعد و بعد و لدی فی
 فیت او سبب و کلا در کلام
 تانینک هم لام قنده سبب

بر شمسک انتی عصبی زوج و بینهماده بطلان
 توله ایدوب بعد و بعد و لدی فی
 فیت او سبب و کلا در کلام
 تانینک هم لام قنده سبب

تسمیه اولیٰ و عصبیات ایکی قسم در بر عصبیات نسبت در اولیٰ و در اولیٰ
 عصبه بنف و عصبه بغيره و عصبه مع غیره در اما عصبه بنف
 هر ذکور که صلیه نسبت ایله بینهماده استیفاء اولیٰ و کلا در کلام
 و فی ذرت صنف اولیٰ که صنف بنصوب الیه اولیٰ و کلا در کلام
 یعنی فو عید صنف ثانی اولیٰ که صنف اصلید صنف ثالث اولیٰ
 شخصک باقی و ذرت صنف اربع و کلا در کلام
 قرب اعتبار بطلان یعنی بواصناف اربعه اولیٰ و کلا در کلام
 بعد و بوجوه و کلا در کلام
 اولیٰ در و ان علی فو اصل اولیٰ و کلا در کلام

واحد منها السبب مما ترک ان کان له ولد و کلا در کلام
 اولان اب مع الابین صاحب فرض اولیٰ اب عصبه و لور سبب عصوبه
 انیک اب و ذرتیه تقدیم طالت ایدوب انیک اب و ذرتیه تقدیم تناول
 لفظه این کبیر **کلام تقدیم** بونکر در صلیه نسبت اولیٰ و کلا در کلام
 بعد اولیٰ و کلا در کلام
 بونکر در کلام
 مسا و بونکر در کلام
 اولیٰ و کلا در کلام
 رضیه مثلا اخ لاب و یا اخ لابین بکر که کلام
 ایله عصبه اولیٰ ایکی اخ لابین اولیٰ در **رضیه خلاف کلام**
 اخ لابین صاحب فرض اولیٰ بعد از فرض باقی ایله اخ لاب
 عصوبه اخذ ایدوب اخ لاب اخذ اولیٰ اولیٰ از کوصوره اولیٰ



جذوة قرآنة واحدة
 من قبل اللاب فقط
 من طرف اللاب واللام
 ویکن ان یوجد جذوة
 قبل تمام بانه

اخ لا ب منف عصبه در پس اخون بخون اقور او لما زد نيلو به صوب
 بود که عجزت و اعتبار نفعنده قوت اولان دکدر بلکه قوت قرات
 معصيه در پس تر صبح خور علم و فوق القياس اولور و ابر اخ لا ب
 وام ابن اخ لا ب اول در کذاک ميتاک و باک ميتاک و جد نیک اعماضه في
 حکم لوموال اوزره در يعني لايون اولان لا ب اولان حکم کند و اولور و بو
 بصنفاک فرو عنده دخی اولان قرب درجه و نایا قوت قرات اعتبار اولور
 اما بنسندن غیر رسی ایل عصبه اولان در بیت نفع کننده بود که کند و
 ذکر اضلاط اعدی حاله و صده سبط بق الفرض نصف و مافوقه ثلثاندر
 مثل بنات صلیبیه و بنات ابن وضوات اعیانیه و علائیه در که کندي
 اضوة و یا اضوة مقامیه قائم اولان لایله که انباء اضوة و یا انباء عجز
 کما ذکره فی کتاب التلک بونلر ایل عصبه اولور و شول
 انشی که هالت انفرادیه فرضی معنی اولیه مثل اعصابی **بختلک**
 اول نشاناک اخی عصبه اولور و لیکل عصبه اولان در عیله عیله لایون
 کبی بوسورده کل مال حکم کند که این عیله بنت عم لایون ده و ابن اخ
 ایل بنت اخ لا بده دخی حال بوموال اوزره در اما عصبه مع غیره عیله نشاناک
 انشای اخی ایل عصبه اولور مثل اخت اعیانیه یا علائیه که بنت صلیبیه
 و یا بنات ابن ایل عصبه اولور و بنت مرقومه دخی کون واحد و کون اکثر اولور
 کما ذکر فی حوال اللخوات و اخوة عصبه غیر ایل عیله حدیث شریف
 مافوقه اولان انشای لایله بنای در اخی عصبه قلیقه وجود بنت شلر
 زیر انبت بنف عصبه دکدر غیر ذکیف ایل عصبه ایدر اما ابن ایل بنت
 و اخ ایل اخت بونک خلا فنده در زیر ابن و اخ بنف عصبه اولور و لایون
 تقصید ایدر

یعنی متکلم علی بناسی متکلم به اعماکی بنسندن
 و نایا دخی بنسندن عیله بنسندن

لقوله السلام جعلوا الالفات مع البت
 عصبه الحدیث

تقصید ایدر **ب** بوسورده عصبه سبب غیر اولور عصبه بغیره
 ایل تقصید سببیه بنای در **اخ العصبات** یعنی ورنه دن
 عصبه جنسک اخی مولای عیاقه در و عنده عیاقه نورک مقادیم
 اولنر در عصبه نسبت اولان در زمانه خور لایون اولان لایون اولان
 مقدم اولان در الفروض نسبت اوزرینه در دن مقدم لایون در **عنده**
و هو قول علی وزید بن ثابت و فی خلاف لابن سعود رضی الله
عنهم موی الیه قنده خور لایون اولان لایون اولان لایون اولان
ابوهم الخ مولای عیاقه در تقدیم عیاقه جم و رست عیاقه رضی الله
 عنهم کما عیاقه محققک موشده حضرت رسول علیه السلام محقق
 مرقومک بنسندن عیاقه سببیه و لایون اولان لایون اولان لایون اولان
 مولای عیاقه در اوزرینه مقدم اولان عیاقه صدر و رسته تقدیم ضرورت
 ایل در لایون اولان دخی مقدم اولان لازم کلور **ب** ابن سعود ک
 متکلم اولان حدیث شریفه وارث مذکور ایل مراد عصبه نسبت اولور
 مطلق وارث اولان دخی ظاهر و مباین اولور و معنی دخی معنی عیاقه
 مطلقا وارث اولور عیاقه هر نه طریق اولور و اولور اما امام مالک
 قنده لایون غیر الله یا ضرور اولان اولور و یا سببیه اولور شریفه الحاق
 ایل و لایون قدر اما جمهور العلماء **الاولان اعنی** حدیث شریف
 عموم لفظه اخیلر در و سبب و لا عیاقه علی ملکه در علی مات **ب**
فی کتاب الفقہ بعد مولای عیاقه نک عصبه مذکور تقدیم اولور
 باب عصبانده مذکور اولان ترتیب اوزرینه **ب** عصبات نسبت
 بانفسهم عصبه سببیه اوزرینه مقدم لایون مولای عیاقه نک عصبه سببیه

الاقرباء بكسر الهمزة وكسر الراء كمالا نبياء والا اولياء

راجحیت اخراجه از انانیت و مقتضات
 حق و اوردن سبب
 سبب

اولی مغله
او ک اولو تنسی ظاهر و
ولای خانان بیان اوندی

من حسن الازدواجين فتدبرهم ١٤

والولاة امير الدار وغيره السلام

یعنی متذکر این بنیادهای مقرر

يعني نائب الولد الى قوم الامم
الملائكة

مولای الله نسبت عدم اهلیت اب ایچون حسب الضرورت در حق اب اهل
 ینه ولاء مرقوم عودت ایدر **هکذا فی ولد الملاحنة** ونفس و لائب
 شکر کند اولفک منفس اولماز لکن اند اول بر ولا صا د اول صمد اول
 تقدیم اولوز تنک سید فرخ ایچون عصبوب وار دیراقا بر این حادث
 اول اخذ اول در اخ فر بورت عصبوبی باطل اولما سه ده و صوبه
 جو ولاء معتق معتق اولدر که بر امراء عیدن احقاق ایتدکن منکر مرقوم دینی
 بر عیدن اشتر اولخر که معتقه سنه تزویج ایدوب و سینه ماده بر اولد تولدات
 و لای مولای امکه طرف ابده حریت اولما حق ایله الکر عید اول عیدن
 احقاق ات ولدی و لاس کندر مولاتنه جر ایدر **علی مامر** اما جو ولایت
 استدلال زیر بیرون رضی الله عنه روایت اولان مخصوصد که بافع بن حاکم
 معتقه سی زوجی اعلان عیدی زیر رضیه مالک کنده اشتر او عیاق ایتدکه سابقا
 مرقومان بنیله نده تولد ایدر فیتنه نکاح زیر کنده انت بن او عا و بافع
 ایله حضرت عثمان رضی الله عنه حضور نده مرقوم اولد قلنده حضرت عثمان
 و لاء فیتنه زیر حکم انشدر در الکر معتق معتقنک باهانی و معتقنک
 او غلنی ترک ایتد امام ابو یوسف فیتنه زیر و لایک باقی اینکدر بقول
 ابن سعود ک ای روایتن بریدر بقول شرح و تحفی دفعی بومول اوزره در
 اما امام ابن قلنده جمله و لاء اینکدر بقول دفعی حضرت علی وزیر بن ثابت
 حضرت بنیکدر و ابن سعود ک روایت اخر ایدر **هو المختار** **سعيد بن**
المسيب و باقر الشافعي اصل خلا فی بیایده تفصیل اقتض
 اعلمن طی اولیدر الکر معتق معتقنک او غلن و جدن ترک ات کحل و لای
 اینکدر بالاتفاق و امام ابو یوسف قوله اوزره بوشکله استثناء و لایک باقی
 اربعه و ندر که

اربعه و نوزده که موی ایل جری اب کبی قلما ز شرح و ایزین اصله و حق کور و اولان اگو
 معتقنک جدت و اخنی ترک ایل اام اعظم قنده کل و لا جد که را ما امان
 قنده و لا بنه ماده لغضان و در زیر اولا اقرب عصبیات ایچوندر اام اعظم
 قنده اقرب جد در امان قنده جد اخ ایل قنده مسا و یلدر و اام حرم
 کتاب و لا اوکنده صحابه دکر ایلدی **الاولاء الکبریاء** یعنی
 ظاهری ایل عمل ایوب بعد موت المعقق و لا است ایلر اولان ابن مققه
 مخصوص در لیر انا بنم مذ هجره کبر ایل مراد معتقنک یوم موته بنوا
 المعققن اقرب اطلاق لغیر اول نور بر سنه کنیزی رحم محمد مالک اول
 اول مالکیت دفعی کر که شراکی اختیاری و کر که ارش کی اضطراری ایل
 مالک اول بنی اقرب بلا احتیاج الی قصد عتاقه معقق اولور و ذوالوحده و
 قربت اوج نوع **نوع اول** من جهة الاولاده در اولد خاکی قسدر بر طریق
 الاصلیت در ابوان واجداد و جدات کبی وان علو بر **دفعی** بطریق الفرضیه
 اولاد و اولاد اولاد کبی وان سفلو **بیس** یو نوع قربت قریبه اطلاق و نور
و نوع ثانیه دفعی قربت متوسطه در مثل اصفیه و خواست و اولاد اصفیه و خواست
 در وان سفلو و اعمام و عجات و خواست و اولاد در وان اولاد **س** یوای
 نوعه بیل حکم قربت زبور کردن برینه قریب مالک اولی بیس ایل عتقد
 هذا عندنا **لما عندنا** **نوع ثالث** و فیما خلا **لما عندنا**
لا اصحاب الظواهر اما نوع ثالث قربت بعیده در که کاذبی و هم غیر حرم
 اطلاق اول نور اولاد اعمام و اولاد احوال کبر اگر قریب یونول برینه مالک اول
 معقق اولان بلا خلاف **بیس** سبب آخر ایل محرمیت عدم عتیق متناهی بلکه
 مثلاً رضاع و مضاهرت کبر زیر محرمیت در مراد قربت حقیقیه در کما فرمایا

[illegible]

اصحاب طوائف قسده که چه نور و روشنایی
اعتقاد انجمن لازم اولور و دیگر
افزون

حج آخری میں ازاد منع مقصدہ المومنین غیر مذکور
حاجت اولیاء
صورتی حج البرکات فی طرف الحاجب
والنقصان من طرف الجبوب

عج نقیضه
منه صمدیه

روح الامور
الامور
الحال

حج نقصان
فرمانی مقرر بقدرت انوار علی غایت
خارجی بقدرت انوار علی غایت

ضعفي ونصف ربع ضعفي أولو **ربس** نوع ثلثي وهو كقياس أوله
وبوفرض ستة إلى نوعه خمس أو لعله سبب خرج ثمنك أقل ثمانية ده
وخرج سدك أقل ستة ده لولوب كذلك ربع إليه نصف ثمانية ده و
ثلثان إليه ثلث ستة ده لأكسر خارجا ولديغته بناء درهكذا قيل
قال المصنف القاضى الخضر الشيرازى بحال الوارثين بيان
التوزيع على الأهل يسهما ما يحتاج القروض الستة والقول هذا يقضى
القراضين جعلوا الكل نوعا واحدا فصاروا نسبة الثمن إلى السدس
كنسبة الربع إلى الثلث ونسبة النصف إلى الثلثين لأن الثمن ثلثة
أرباع السدس والربع ثلثة أرباع الثلث والنصف ثلثة أرباع
الثلثين انتهى **اقول معتمد الخالق العقول** لميته هذه النسبة
مثلا إذا نظرنا بين النوعين وحما خرج الثمن والسدس وجدنا بينهما موافقة
بالنصف فصار نصف واحد بما في الآخر حصل أربعة عشرون فكل واحد خرجا
للكل ثم إذا نسبنا الثمن منها وهو ثلثة إلى سدسها وهو أربعة يكون
به الثمن ثلثة أرباع هذا السدس وكذلك إذا نسبنا الربع منها وهو
ستة إلى ثلثها وهو ثمانية صار هذا الربع ثلثة أرباع هذا الثلث وكذلك
إذا نسبنا النصف منها وهو اثني عشر إلى ثلثها وهو ستة صار
به النصف ثلثة أرباع هذا الثلثين وبهذا الاعتبار يكون هذه القروض
نوعا واحدا عند بعض أرباب هذا الفن **حجاء** فروض مذكورون من منصرف
كله أو فرضك يخرج كذا سيمسندك أولو والآخر نصف أيدينا أولو
بسيه ربع أربعة دن ونوع ثمانية دن وثلث وثلثان ثلثة دن وسدس
ستة دن أولو ما فروض مذكورون من منصرف كل كلمة مثال الجوهرة التي

باب العول

اما این فنلستان که در آنجا فنلستان نامیده می شود
در این کتاب از آنجا که

نفث ومانع ۳ نفث مانع ۳
ام ۱ ام ۱
۲ ۲
۳ ۳
۴ ۴
۵ ۵
۶ ۶
۷ ۷
۸ ۸
۹ ۹
۱۰ ۱۰
۱۱ ۱۱
۱۲ ۱۲
۱۳ ۱۳
۱۴ ۱۴
۱۵ ۱۵
۱۶ ۱۶
۱۷ ۱۷
۱۸ ۱۸
۱۹ ۱۹
۲۰ ۲۰
۲۱ ۲۱
۲۲ ۲۲
۲۳ ۲۳
۲۴ ۲۴
۲۵ ۲۵
۲۶ ۲۶
۲۷ ۲۷
۲۸ ۲۸
۲۹ ۲۹
۳۰ ۳۰
۳۱ ۳۱
۳۲ ۳۲
۳۳ ۳۳
۳۴ ۳۴
۳۵ ۳۵
۳۶ ۳۶
۳۷ ۳۷
۳۸ ۳۸
۳۹ ۳۹
۴۰ ۴۰
۴۱ ۴۱
۴۲ ۴۲
۴۳ ۴۳
۴۴ ۴۴
۴۵ ۴۵
۴۶ ۴۶
۴۷ ۴۷
۴۸ ۴۸
۴۹ ۴۹
۵۰ ۵۰
۵۱ ۵۱
۵۲ ۵۲
۵۳ ۵۳
۵۴ ۵۴
۵۵ ۵۵
۵۶ ۵۶
۵۷ ۵۷
۵۸ ۵۸
۵۹ ۵۹
۶۰ ۶۰
۶۱ ۶۱
۶۲ ۶۲
۶۳ ۶۳
۶۴ ۶۴
۶۵ ۶۵
۶۶ ۶۶
۶۷ ۶۷
۶۸ ۶۸
۶۹ ۶۹
۷۰ ۷۰
۷۱ ۷۱
۷۲ ۷۲
۷۳ ۷۳
۷۴ ۷۴
۷۵ ۷۵
۷۶ ۷۶
۷۷ ۷۷
۷۸ ۷۸
۷۹ ۷۹
۸۰ ۸۰
۸۱ ۸۱
۸۲ ۸۲
۸۳ ۸۳
۸۴ ۸۴
۸۵ ۸۵
۸۶ ۸۶
۸۷ ۸۷
۸۸ ۸۸
۸۹ ۸۹
۹۰ ۹۰
۹۱ ۹۱
۹۲ ۹۲
۹۳ ۹۳
۹۴ ۹۴
۹۵ ۹۵
۹۶ ۹۶
۹۷ ۹۷
۹۸ ۹۸
۹۹ ۹۹
۱۰۰ ۱۰۰

[illegible]

اما خارج نطفه دل التي وتر او شفا اونه وايد بخه وان ايكي دغ و ترا
اول يدي يه ويكوي درت دغ عول واحد اليه كي مي يدي يه عول ايدرلو
كما صورت ههنا سايل عايله خرج ستة الى العشرة

عولية الى سبعة ٧ عولية الى ثمانية ٨

فروج ٣ اضللابلوي ٤ زوج ٣ اضللابلوي ٤ ام ١

كذلك الى ثمانية ١ عولية الى تسعة ٩

زوج ٣
اخت البوين ٤
اخت لام ١
زوج ٣
اخت البوين ٤
اخت لام ١

عولية الى ثمانية ١ كذلك عولية الى تسعة ٩

روح اهل البوین ام روح اهل البوین
۳ ۲ ۳ ۲
۴ ۳ ۲ ۱

كذلك الى سنة
شرعية الى عشرة ١٠ وهي

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰

عولیه الی ۱۳ عولیه الی ۱۵

عولته الى ١٥ عولته الى ١٧

روية ٣٥ ١٨ ٤١ ٣١ ١٢ ٤٢ ١٩ ٤٣ ١٣ ٤٤ ٢٠ ٤٥ ٢١ ٤٦ ٢٢ ٤٧ ٢٣ ٤٨ ٢٤ ٤٩ ٢٥ ٥٠ ٢٦ ٥١ ٢٧ ٥٢ ٢٨ ٥٣ ٢٩ ٥٤ ٣٠ ٥٥ ٣١ ٥٦ ٣٢ ٥٧ ٣٣ ٥٨ ٣٤ ٥٩ ٣٥ ٦٠ ٣٦ ٦١ ٣٧ ٦٢ ٣٨ ٦٣ ٣٩ ٦٤ ٤٠ ٦٥ ٤١ ٦٦ ٤٢ ٦٧ ٤٣ ٦٨ ٤٤ ٦٩ ٤٥ ٧٠ ٤٦ ٧١ ٤٧ ٧٢ ٤٨ ٧٣ ٤٩ ٧٤ ٥٠ ٧٥ ٥١ ٧٦ ٥٢ ٧٧ ٥٣ ٧٨ ٥٤ ٧٩ ٥٥ ٨٠ ٥٦ ٨١ ٥٧ ٨٢ ٥٨ ٨٣ ٥٩ ٨٤ ٦٠ ٨٥ ٦١ ٨٦ ٦٢ ٨٧ ٦٣ ٨٨ ٦٤ ٨٩ ٦٥ ٩٠ ٦٦ ٩١ ٦٧ ٩٢ ٦٨ ٩٣ ٦٩ ٩٤ ٧٠ ٩٥ ٧١ ٩٦ ٧٢ ٩٧ ٧٣ ٩٨ ٧٤ ٩٩ ٧٥ ١٠٠ ٧٦ ١٠١ ٧٧ ١٠٢ ٧٨ ١٠٣ ٧٩ ١٠٤ ٨٠ ١٠٥ ٨١ ١٠٦ ٨٢ ١٠٧ ٨٣ ١٠٨ ٨٤ ١٠٩ ٨٥ ١١٠ ٨٦ ١١١ ٨٧ ١١٢ ٨٨ ١١٣ ٨٩ ١١٤ ٩٠ ١١٥ ٩١ ١١٦ ٩٢ ١١٧ ٩٣ ١١٨ ٩٤ ١١٩ ٩٥ ١٢٠ ٩٦ ١٢١ ٩٧ ١٢٢ ٩٨ ١٢٣ ٩٩ ١٢٤ ١٠٠ ١٢٥ ١٠١ ١٢٦ ١٠٢ ١٢٧ ١٠٣ ١٢٨ ١٠٤ ١٢٩ ١٠٥ ١٣٠ ١٠٦ ١٣١ ١٠٧ ١٣٢ ١٠٨ ١٣٣ ١٠٩ ١٣٤ ١١٠ ١٣٥ ١١١ ١٣٦ ١١٢ ١٣٧ ١١٣ ١٣٨ ١١٤ ١٣٩ ١١٥ ١٤٠ ١١٦ ١٤١ ١١٧ ١٤٢ ١١٨ ١٤٣ ١١٩ ١٤٤ ١٢٠ ١٤٥ ١٢١ ١٤٦ ١٢٢ ١٤٧ ١٢٣ ١٤٨ ١٢٤ ١٤٩ ١٢٥ ١٥٠ ١٢٦ ١٥١ ١٢٧ ١٥٢ ١٢٨ ١٥٣ ١٢٩ ١٥٤ ١٣٠ ١٥٥ ١٣١ ١٥٦ ١٣٢ ١٥٧ ١٣٣ ١٥٨ ١٣٤ ١٥٩ ١٣٥ ١٦٠ ١٣٦ ١٦١ ١٣٧ ١٦٢ ١٣٨ ١٦٣ ١٣٩ ١٦٤ ١٤٠ ١٦٥ ١٤١ ١٦٦ ١٤٢ ١٦٧ ١٤٣ ١٦٨ ١٤٤ ١٦٩ ١٤٥ ١٧٠ ١٤٦ ١٧١ ١٤٧ ١٧٢ ١٤٨ ١٧٣ ١٤٩ ١٧٤ ١٥٠ ١٧٥ ١٥١ ١٧٦ ١٥٢ ١٧٧ ١٥٣ ١٧٨ ١٥٤ ١٧٩ ١٥٥ ١٨٠ ١٥٦ ١٨١ ١٥٧ ١٨٢ ١٥٨ ١٨٣ ١٥٩ ١٨٤ ١٦٠ ١٨٥ ١٦١ ١٨٦ ١٦٢ ١٨٧ ١٦٣ ١٨٨ ١٦٤ ١٨٩ ١٦٥ ١٩٠ ١٦٦ ١٩١ ١٦٧ ١٩٢ ١٦٨ ١٩٣ ١٦٩ ١٩٤ ١٧٠ ١٩٥ ١٧١ ١٩٦ ١٧٢ ١٩٧ ١٧٣ ١٩٨ ١٧٤ ١٩٩ ١٧٥ ٢٠٠ ١٧٦ ٢٠١ ١٧٧ ٢٠٢ ١٧٨ ٢٠٣ ١٧٩ ٢٠٤ ١٨٠ ٢٠٥ ١٨١ ٢٠٦ ١٨٢ ٢٠٧ ١٨٣ ٢٠٨ ١٨٤ ٢٠٩ ١٨٥ ٢١٠ ١٨٦ ٢١١ ١٨٧ ٢١٢ ١٨٨ ٢١٣ ١٨٩ ٢١٤ ١٩٠ ٢١٥ ١٩١ ٢١٦ ١٩٢ ٢١٧ ١٩٣ ٢١٨ ١٩٤ ٢١٩ ١٩٥ ٢٢٠ ١٩٦ ٢٢١ ١٩٧ ٢٢٢ ١٩٨ ٢٢٣ ١٩٩ ٢٢٤ ٢٠٠ ٢٢٥ ٢٠١ ٢٢٦ ٢٠٢ ٢٢٧ ٢٠٣ ٢٢٨ ٢٠٤ ٢٢٩ ٢٠٥ ٢٣٠ ٢٠٦ ٢٣١ ٢٠٧ ٢٣٢ ٢٠٨ ٢٣٣ ٢٠٩ ٢٣٤ ٢١٠ ٢٣٥ ٢١١ ٢٣٦ ٢١٢ ٢٣٧ ٢١٣ ٢٣٨ ٢١٤ ٢٣٩ ٢١٥ ٢٤٠ ٢١٦ ٢٤١ ٢١٧ ٢٤٢ ٢١٨ ٢٤٣ ٢١٩ ٢٤٤ ٢٢٠ ٢٤٥ ٢٢١ ٢٤٦ ٢٢٢ ٢٤٧ ٢٢٣ ٢٤٨ ٢٢٤ ٢٤٩ ٢٢٥ ٢٥٠ ٢٢٦ ٢٥١ ٢٢٧ ٢٥٢ ٢٢٨ ٢٥٣ ٢٢٩ ٢٥٤ ٢٣٠ ٢٥٥ ٢٣١ ٢٥٦ ٢٣٢ ٢٥٧ ٢٣٣ ٢٥٨ ٢٣٤ ٢٥٩ ٢٣٥ ٢٦٠ ٢٣٦ ٢٦١ ٢٣٧ ٢٦٢ ٢٣٨ ٢٦٣ ٢٣٩ ٢٦٤ ٢٤٠ ٢٦٥ ٢٤١ ٢٦٦ ٢٤٢ ٢٦٧ ٢٤٣ ٢٦٨ ٢٤٤ ٢٦٩ ٢٤٥ ٢٧٠ ٢٤٦ ٢٧١ ٢٤٧ ٢٧٢ ٢٤٨ ٢٧٣ ٢٤٩ ٢٧٤ ٢٥٠ ٢٧٥ ٢٥١ ٢٧٦ ٢٥٢ ٢٧٧ ٢٥٣ ٢٧٨ ٢٥٤ ٢٧٩ ٢٥٥ ٢٨٠ ٢٥٦ ٢٨١ ٢٥٧ ٢٨٢ ٢٥٨ ٢٨٣ ٢٥٩ ٢٨٤ ٢٦٠ ٢٨٥ ٢٦١ ٢٨٦ ٢٦٢ ٢٨٧ ٢٦٣ ٢٨٨ ٢٦٤ ٢٨٩ ٢٦٥ ٢٩٠ ٢٦٦ ٢٩١ ٢٦٧ ٢٩٢ ٢٦٨ ٢٩٣ ٢٦٩ ٢٩٤ ٢٧٠ ٢٩٥ ٢٧١ ٢٩٦ ٢٧٢ ٢٩٧ ٢٧٣ ٢٩٨ ٢٧٤ ٢٩٩ ٢٧٥ ٣٠٠ ٢٧٦ ٣٠١ ٢٧٧ ٣٠٢ ٢٧٨ ٣٠٣ ٢٧٩ ٣٠٤ ٢٨٠ ٣٠٥ ٢٨١ ٣٠٦ ٢٨٢ ٣٠٧ ٢٨٣ ٣٠٨ ٢٨٤ ٣٠٩ ٢٨٥ ٣١٠ ٢٨٦ ٣١١ ٢٨٧ ٣١٢ ٢٨٨ ٣١٣ ٢٨٩ ٣١٤ ٢٩٠ ٣١٥ ٢٩١ ٣١٦ ٢٩٢ ٣١٧ ٢٩٣ ٣١٨ ٢٩٤ ٣١٩ ٢٩٥ ٣٢٠ ٢٩٦ ٣٢١ ٢٩٧ ٣٢٢ ٢٩٨ ٣٢٣ ٢٩٩ ٣٢٤ ٣٠٠ ٣٢٥ ٣٠١ ٣٢٦ ٣٠٢ ٣٢٧ ٣٠٣ ٣٢٨ ٣٠٤ ٣٢٩ ٣٠٥ ٣٣٠ ٣٠٦ ٣٣١ ٣٠٧ ٣٣٢ ٣٠٨ ٣٣٣ ٣٠٩ ٣٣٤ ٣١٠ ٣٣٥ ٣١١ ٣٣٦ ٣١٢ ٣٣٧ ٣١٣ ٣٣٨ ٣١٤ ٣٣٩ ٣١٥ ٣٤٠ ٣١٦ ٣٤١ ٣١٧ ٣٤٢ ٣١٨ ٣٤٣ ٣١٩ ٣٤٤ ٣٢٠ ٣٤٥ ٣٢١ ٣٤٦ ٣٢٢ ٣٤٧ ٣٢٣ ٣٤٨ ٣٢٤ ٣٤٩ ٣٢٥ ٣٥٠ ٣٢٦ ٣٥١ ٣٢٧ ٣٥٢

[illegible]

المسئلة المنبرية وهي هذه	الى ٢٧	
زوجية	بنين	ام
٣	١٦	٢

في صورة ابن الحوتم
فصيل في معرفة النماثل والله اعلم والتوافقه والتباين بين

المقدارين ارباب من فرائض الصلاة اخذت جملة عدد درت قسمه
منقسمه بر زیر مافوق واحده ده بر عددین عدد واجه نسبت اوله
بر بر نیمه صوی اولور سه کما غافل تسیمیه اولنور او کسوی اولور سه
عدد داخل عدد اکثری افنا ایدر سه کما داخل تسیمیه اولنور افنا اندیکه یوز
اگر عدد ثالث اول ای عددی افنا ایدر سه کما توافق دیر بر شول شرطه که
عدد ثالث مافوق واحد اوله زیر ابواصل واحد واحد عدد داخل عدد کثیر
اگر عدد ثالث دخی افنا اعتر سه کما بتابین بین المقدارین تسیمیه اولنور
کمانل واضع راما داخل مثال ثلثه الیه تسع کجی زیر ثلثه تسع مثلی
و غیر مصطلحیدر اول معنایه که اکثر افنا ایدر داخل اوزر نیمه ای اقل افنا
زیاده اعظم اقل اکثره برابر اولور و اکثر عدد داخل بلا کسر منقسم اولور
جميع تغایر اوزره بواضال تدخل ایچوند راما توافق مثال کثر ایفه
یکم که اقل عدد اکثر افنا اعتر اعد دخی درت افنا ایدر سیمه ماده موافقه
ربعیه اولغین اگر شوال اولنور سه که ذکر اولمال عدد دیده موافقه
نصفیه وارد در کجول کما اعتبار اولمال رجب بود که بوصنا عتیده
معتبر تعدد

سورة التوفيق بين المقدارين المختلفين
ضمن عدد ثمانين فلك القسمة مقدار اول
والاقل من العدد الاكثر بقسمة تسعون والاول
من العدد الاقل فان القسمة الاكثر عدد يعني
من العدد والاقل يكون القسمة الاكثر ثمانية
الاول يعني خمس مرات والاقل ثمانية
العدد الاكثر خمس من العدد المختلف لان
بقسمة العدد الاكثر يخرج العدد بالقسمة
فيكون القسمة ثمانية اتفاقا بالقسمة
المفروضة قد

۱- کبریا
 ۲- کبریا
 ۳- کبریا
 ۴- کبریا
 ۵- کبریا
 ۶- کبریا
 ۷- کبریا
 ۸- کبریا
 ۹- کبریا
 ۱۰- کبریا
 ۱۱- کبریا
 ۱۲- کبریا
 ۱۳- کبریا
 ۱۴- کبریا
 ۱۵- کبریا
 ۱۶- کبریا
 ۱۷- کبریا
 ۱۸- کبریا
 ۱۹- کبریا
 ۲۰- کبریا
 ۲۱- کبریا
 ۲۲- کبریا
 ۲۳- کبریا
 ۲۴- کبریا
 ۲۵- کبریا
 ۲۶- کبریا
 ۲۷- کبریا
 ۲۸- کبریا
 ۲۹- کبریا
 ۳۰- کبریا
 ۳۱- کبریا
 ۳۲- کبریا
 ۳۳- کبریا
 ۳۴- کبریا
 ۳۵- کبریا
 ۳۶- کبریا
 ۳۷- کبریا
 ۳۸- کبریا
 ۳۹- کبریا
 ۴۰- کبریا
 ۴۱- کبریا
 ۴۲- کبریا
 ۴۳- کبریا
 ۴۴- کبریا
 ۴۵- کبریا
 ۴۶- کبریا
 ۴۷- کبریا
 ۴۸- کبریا
 ۴۹- کبریا
 ۵۰- کبریا
 ۵۱- کبریا
 ۵۲- کبریا
 ۵۳- کبریا
 ۵۴- کبریا
 ۵۵- کبریا
 ۵۶- کبریا
 ۵۷- کبریا
 ۵۸- کبریا
 ۵۹- کبریا
 ۶۰- کبریا
 ۶۱- کبریا
 ۶۲- کبریا
 ۶۳- کبریا
 ۶۴- کبریا
 ۶۵- کبریا
 ۶۶- کبریا
 ۶۷- کبریا
 ۶۸- کبریا
 ۶۹- کبریا
 ۷۰- کبریا
 ۷۱- کبریا
 ۷۲- کبریا
 ۷۳- کبریا
 ۷۴- کبریا
 ۷۵- کبریا
 ۷۶- کبریا
 ۷۷- کبریا
 ۷۸- کبریا
 ۷۹- کبریا
 ۸۰- کبریا
 ۸۱- کبریا
 ۸۲- کبریا
 ۸۳- کبریا
 ۸۴- کبریا
 ۸۵- کبریا
 ۸۶- کبریا
 ۸۷- کبریا
 ۸۸- کبریا
 ۸۹- کبریا
 ۹۰- کبریا
 ۹۱- کبریا
 ۹۲- کبریا
 ۹۳- کبریا
 ۹۴- کبریا
 ۹۵- کبریا
 ۹۶- کبریا
 ۹۷- کبریا
 ۹۸- کبریا
 ۹۹- کبریا
 ۱۰۰- کبریا

معینه بقدر دعا و اولی بی زمان جزو مصطلح اکثرند و فوق قلبی اسهل صایحون
 زیر آشیمنک ربی الصنفین اقل و صایده خاسمه رود **رس علی ما آما**
 بتابینه منال تسعة الی عشره کی که بعد الاقنطرین برده قرار اید و کوی اصل
 مقدارین مختلفین بنموده موافقت و بمابینت معرفت طریق اوله که حدود
 اقل مقدار نجد و اکثرین حرار انقص ایده اگر برده قرار اید رس بمابیند اما
 ایکیده قرار اید رس توافق بالیضغیر و اوجه قرار اید رس توافق بالیضغیر
هكذا الى العشرة کسور منطبقه تغییر اول نور و فضا در اما ماوراء عشره
 اولان و فضا کسور اصم اطلاق اول نور و رجعت اضافت الیه مثل ایکه مرکی الیه
 اول نور و ج کی که بعد الاقنطرین اول برده قرار اید و بوکه توافق بخیر و من
 احد عشر و بنور اگر اول ایکیده قرار اید رس توافق بخیر و من اثنی عشر
 و بنور یکمی درت الیه اول نور الی کی و فسر علی هذا

بسم الله الرحمن الرحيم
 ما قبل فرائض و بعد از آنکه در وقتیه اقل نماز چندان سهامی بجا که مستحق اوله
 اوله خود ریتن خالی و کماله ریا عاقله در ریا عاقله در ریا عاقله در ریا عاقله در
 پس بوضوح خودی اصول معرفتیه بخاطر جبر و اجبر بین السهام و الوش و الوش
 درت اصول و فی بین الوش و الوش در اصول نلشدن بر و درت دن هر
 و فی سهامی بجا که مستقیم اولوب غریبه و خدای اولیمه درین صورت
 و عاقله من ۶ و غریبه و خدای اولیمه درین صورت
 اوله بر طایفه اوله بر طایفه اوله بر طایفه اوله بر طایفه اوله بر طایفه اوله
 فقط اوله اوله بر طایفه اوله بر طایفه اوله بر طایفه اوله بر طایفه اوله
 اصل مشکیه و الا غریبه و الا غریبه و الا غریبه و الا غریبه و الا غریبه و الا غریبه
 اسلام من ۶ و طایفه و طایفه و طایفه و طایفه و طایفه و طایفه
 عشر بنات

[illegible]

بوصورتی که در نشتان اضلاع مثلث التین اولوب نشتان اولان
درست بودن بنات مستقیم دکل بنیاده توفیق بالنصف اولفعل و فوق رؤس
بنات که بشکله کنایه در اصل مشکله یضرب اولفعل مایبلغ او تو ز اولور بعد هر
طایفه نکه اصل مشکله کنایه مضروب مذکور بشکله مضروب اند که ابونین
هر بنیاد بشکله بنات یکم و فدیانه یکم سهم اصابت ایدر صورتی که در

اصلا بالعدل ۱۵ و المضروب من ۳ و فی الجواب ۲۵
زوج ۹ ۶ ۴ ۲۴

بوصورتی که مثلث اول بنیاد عمل ایدوب کن بنات سرای مشکله و بنیاده موقفه
نصفیه اولفعل نصف بنات اولان او جاول بنیاد که مایبلغ فوق رؤس
قاعده سابقه او ز طغوز سهم زوجیه التین سهم ابونین یکم و در سهم مجموع بنات
و فدیانه در سهم اصابت ایدر **اصول التین** اصل ثالث اولور که در نشتان
بنیاد بر طایفه او ز سهم سهار مشکله و بنیاده بنات اول و التقدر یضرب طایفه
مذکور نکه حله عدد رؤس اصل مشکله یضرب ایدر سهم درین صورت

بالعدل ۷ مضروب ۵ و فی الجواب ۳۵ بوصورتی که در یضرب عدول
زوج ۱۵ ۱۰ ۵ ۳۵

مستقیم اولیوب و بنیاده بنات اولفعل بنیاد بنیاد رؤس بنیاد بنیاد
بدر یضرب مایبلغ او تو ز بنیاد اولوب علی القاعده الاولیوب سهم زوجیه
و یکم سهم کل اخوات در سهم فدیانه ذکر ما غیر عایله به مثال بود در

اصلا بالعدل ۶ مضروب ۳ و فی الجواب ۱۸ بوصورتی که در یضرب عدول
زوج ۹ ۶ ۳ ۱۸

مستقیم اولیوب و بنیاده بنات اولفعل عدد رؤس اصل مشکله
مستقیم

بوصورتی که در نشتان اضلاع مثلث التین
اصل مشکله اول بنیاد عمل ایدر

تفصیل بنیاد بنیاد و در مثال اضلاع مثلث التین
اصل مشکله یضرب ایدر بنیاد بنیاد بنیاد بنیاد
مستقیم اولیوب و بنیاده بنات اولفعل بنیاد بنیاد
بدر یضرب مایبلغ او تو ز بنیاد اولوب علی القاعده الاولیوب سهم زوجیه
و یکم سهم کل اخوات در سهم فدیانه ذکر ما غیر عایله به مثال بود در

ضرب ایدر که مایبلغ اولان اول سکون طغوز سهم زوجیه او ج سهم جدیه یضرب
جمله اخوات ذکر ما بین الرؤس و الرؤس اولان اصولی بعدون بر رؤس که ایدر و یا
او ج طایفه او ز سهم سهار مستقیم اولیوب کن بین الرؤس و الرؤس همانکس
اول صورتی که حکم احد حمانی اصل مشکله یضرب ایدر یکم مایبلغ و فدیانه یکم
مستقیم اولور درین صورت

و المضروب من ۳ و فی الجواب ۲۵
زوج ۹ ۶ ۴ ۲۴

بوصورتی که بنات ایدر سهار بنیاده توفیق بالنصف و سایر لک بنات
اولفعل بنات و فدیانه و سایر لک کل بنیاد ایدوب بعد هر جمله رؤس مایخونه
بنیاده در حمانی اولفعل احد حمانی اصل مشکله یضرب ایدر که مایبلغ اول
سکون اولوب اولان ایدر سهم بنات او ج سهم در حمانی و عایله اصابت ایدر
اصل نشتان اولور که سهار مستقیم اولیوب طایفه بعضی بعضی بعضی بعضی
اول اول صورتی که حکم التین عدد اصل مشکله یضرب اولور درین مثال

و المضروب من ۱۲ و فی الجواب ۱۴۴
زوج ۱۲ ۸ ۴ ۱۴۴

بوصورتی که در نشتان اضلاع مثلث التین بنیاد بنیاد بنیاد بنیاد
نظر اولفعل رؤس زوجیه و فدیانه رؤس عایله مایبلغ اولفعل کفر عدد
اولان اولان ایدر که رؤس عایله کنایه در اصل مشکله یضرب مایبلغ یوز فوق
درست اولور بعد اصل مشکله کنایه طایفه نکه سهم مضروب اولان اولان ایدر
ضرب ایدر که فدیانه زوجیه و فدیانه فدیانه فدیانه فدیانه فدیانه فدیانه

بوصورتی که در نشتان اضلاع مثلث التین
اصل مشکله اول بنیاد عمل ایدر

بوصورتی که در نشتان اضلاع مثلث التین
اصل مشکله اول بنیاد عمل ایدر

بوصورتی که در نشتان اضلاع مثلث التین
اصل مشکله اول بنیاد عمل ایدر

بوصورتی که در نشتان اضلاع مثلث التین
اصل مشکله اول بنیاد عمل ایدر

۲۵۰	۲۱۰	۲۵۰	۲۱۰
زوجهین	عشریات	تجارت	سبعه اهام
۹۳۰	۳۳۶۰	۸۴۰	۲۱۰
۲۱۵	۳۳۶	۱۴۰	۴۰
			بصورته

$\frac{0}{2} \mid \frac{0}{2}$
 شش
 $\frac{0}{2} \mid \frac{0}{2}$
 شش
 $\frac{0}{2} \mid \frac{0}{2}$
 شش

زوجه	تجدد	عشریات	سبعه اسلام
۶۳۰	۸۴۰	۳۳۶۰	۲۱۰
۳۱۵	۱۲۰	۳۳۶	۴۰
			بصورته

[illegible]

[illegible]

فصل في بيان أنواع التوسل بما زاد على الثالث

فريضة أصابت ايدن سهاني جمع ايلوب باقي اطلان سهاني كه اكيوز اول اولور
 عجبسه اولان دير عامه على السوية اعط ايدن سهاني وقس على هذا
فصل في بيان انواع النوايا بازاو على الثالث
 نحن نذكر زيادة وصيت ايدن احد زوجين اولوب غير وارث اولوب
 وصيت مذكور في يانصف ويانثان وياكل مال اولوب او وصيت بالكل
 ايدن زوج ايشه زوجته حيزه ما وليد في صورته جملة مال موصي له ويريلور
 اما حيزه اولاز سه بعد اخرج الثالث ربع صححه خارج اولور برخر جدين
 لا بد در سه مشكله التيدك اولوب اطلان في السهم موصي لهم وربع باقي
 بر سهم زوجته و باقي اطلان اوج سهم يه موصي لهم ويريلوب بر سهم مال
 زوجته نكرو غمسه اسد ابي موصي له اكل اولوب بيت المال له ثلثه فالمازاكو
 وصيت نصف ايشه زوجته حيزه اولور سه برخر جدين لا بد در كه بعد النصف ربع
 حيزه اولوب باقيك ربع بر زوجته و باقي اوج بيت المال ذكر انا زوجته حيزه
 اولاز سه برخر جدين لا بد در كه بعد الثالث ربع صححه اولوب
 ثلثي اكل موصي لهم باقيك ربع بر زوجته و بعد باقيك ثلثي اولوب
 تكلمه للموصية تمام نصف اكل ثلث اوله ضم موصي لهم دفع اولوب نثان
 باقي اولان اكل سهم بيت المال ذكر انا زوجته وصيتي ثلثان ايشه زوجتي
 حيزه اولور سه بعد الثلثان ربع صححه خارج اولور برخر جدين لا بد در سه مشكله
 اوله اكيون اولوب اولان ثلثان اولان سكر موصي لهم باقيك ربع بر زوجته
 باقي اوج بيت المال ذكر انا حيزه اولاز سه بعد الثالث ربع صححه اولور حيزه
 لا بد در سه مشكله التيدك اولوب ثلثي اكل موصي لهم باقيك ربع بر زوجته
 اوج باقيك ثلثان اكل تكلمه لثلثان موصي لهم باقي بر بيت المال ذكر انا

فريضة أصابت ايدن سهاني جمع ايلوب باقي اطلان سهاني كه اكيوز اول اولور
 عجبسه اولان دير عامه على السوية اعط ايدن سهاني وقس على هذا
فصل في بيان انواع النوايا بازاو على الثالث
 نحن نذكر زيادة وصيت ايدن احد زوجين اولوب غير وارث اولوب
 وصيت مذكور في يانصف ويانثان وياكل مال اولوب او وصيت بالكل
 ايدن زوج ايشه زوجته حيزه ما وليد في صورته جملة مال موصي له ويريلور
 اما حيزه اولاز سه بعد اخرج الثالث ربع صححه خارج اولور برخر جدين
 لا بد در سه مشكله التيدك اولوب اطلان في السهم موصي لهم وربع باقي
 بر سهم زوجته و باقي اطلان اوج سهم يه موصي لهم ويريلوب بر سهم مال
 زوجته نكرو غمسه اسد ابي موصي له اكل اولوب بيت المال له ثلثه فالمازاكو
 وصيت نصف ايشه زوجته حيزه اولور سه برخر جدين لا بد در كه بعد النصف ربع
 حيزه اولوب باقيك ربع بر زوجته و باقي اوج بيت المال ذكر انا زوجته حيزه
 اولاز سه برخر جدين لا بد در كه بعد الثالث ربع صححه اولوب
 ثلثي اكل موصي لهم باقيك ربع بر زوجته و بعد باقيك ثلثي اولوب
 تكلمه للموصية تمام نصف اكل ثلث اوله ضم موصي لهم دفع اولوب نثان
 باقي اولان اكل سهم بيت المال ذكر انا زوجته وصيتي ثلثان ايشه زوجتي
 حيزه اولور سه بعد الثلثان ربع صححه خارج اولور برخر جدين لا بد در سه مشكله
 اوله اكيون اولوب اولان ثلثان اولان سكر موصي لهم باقيك ربع بر زوجته
 باقي اوج بيت المال ذكر انا حيزه اولاز سه بعد الثالث ربع صححه اولور حيزه
 لا بد در سه مشكله التيدك اولوب ثلثي اكل موصي لهم باقيك ربع بر زوجته
 اوج باقيك ثلثان اكل تكلمه لثلثان موصي لهم باقي بر بيت المال ذكر انا

[illegible]

التجر الوصية ولا تجز قال اجازة في النصف حكم الميراث ولا شيء غير ذلك
 وقال محرر لا يقول القاضي التجز الوصية ولكن ان رد الوصية فله نصف المال
 وان قبل اقل الكل من **ثلاثة قاعده** بالاي قاعده ذكرها
 تنفيذ وصية اوج قسم او زرع در برى مطلقه و مثلاً ما لثلاثي
 وبار تعني اصني يه وصيت ايدوب اكر بعد الوصية مال زياده اوله
 موسى ايك صفي دخر زياده اولوب ناقص اوله اوله ناقص اوله اوله
 حال وصيته مال بيك اولوب بعده اي بيك اوله باخود عكسه
 اوله صورة اوله ده موسى لثلاثي ثانياً ده ثلث الف وريور
 وصيته مذكوره مطلقه اوله جمله مال ده شيوعه اوله بقول بر قسم دخر
 مقصده در مثل موسى در هيك و يادنا شيريك و يا غنيك و يا خود اخر
 و قسمه اوله مال لثلاثي ثلثي وصيته اكله و بر قسم دخر معينه در مثلاً
 موسى لثلاثي و يا شوبلج بعينه و ريسون و يكر ريش و صيته مطلقه
 ثلثه زياده دل و يارب و خمس و يامن اوله شي موسى هر اخراج
 ايدوب و باقي سهام ميتك مثله مقصده ايشه فيها و الا ما وقع
 ايشه وفق مثله و مبين ايشه كل مثله ميتي شي موسى بهك
 كله ضرب ايدكه حاصل ضرب صحيح مثله اوله مثلاً وصيته ربع
 اولوب و در دخر للاختين لابيون ايله للاختين لام اوله صحيح مثله
 التي ايله خرج ربعك باقي اوج بلكه نه توافق بالثلاث اوله ثلث
 ستة اي يه خرج ربع در ده ضرب ايدكه صحيح مثله سكون اولوب
 بعده خرد موسى هر اوج سهم دخر على حده مضروب مذكوره ضرب ايدكه
 اي سهم موسى لثلاثي سهم و در نه يه دكر درين صورت
 اصلها من ٦ اختين لابيون ٨ اختين لام موسى له بالربع ٢

مسئلة لما استفتي عن الفضل الموصوف بالسوء من هذه المسئلة زيد
 وقت ايدوب زوجة هند ولاب فرقة انش زيني ولام ارفند انش ورك
 اليه شمت تركه نه وجماله در فاجاب عنها فيقول قد سكرت سكرت
 اول انكس جندة بكر بدليس زينة طهور زرع وده دكره زو ودرت
 كخط المولى اليه ولكن اقول اصل المسئلة من انش عيش لا يتبع الربع
 والسبع للزوج ربعها وهو ثلثة وللأخت العلة ثلثة نصفها
 وهو ستة وللأخت الاخرى ربعها وهو اثنان فيصير مجموع احدى عشر
 سهما فالمسئلة ردية ثم رد دناها الى اقل خرج فرض من لا يرده عليه وهو
 اربعة وصد منها للزوجة والباقي وهو ثلثة لا يستقيم على مسئلة
 من يرده عليه وهي اربعة ايضا لان مسئلة من يرده عليه اصلها من ستة
 لا يصح النصف والستين ومجموع السهام المأخوذة منها اربعة وخمسة
 منها ثلثة ارباعها للأخت العلة ثلثة وربعها للأخت الاخرى في ثم
 ضربنا جميع مسئلة من يرده عليه وهي اربعة في خرج فرض من لا يرده عليه
 وهو اربعة ايضا فيصير ستة عشر فمنها ثلثة المسئلة اذ كان للزوجة
 من مسئلة واحد ضربناه في جميع مسئلة من يرده عليه يكون اربعة فبني
 لها وكان للأخت العلة ثلثة من مسئلة ثلثة ضربنا بما فيها بقى من
 خرج فرض من لا يرده عليه وهو ثلثة فصار ثلثة عشر لها وكان للأخت
 الاخرى من مسئلة واحد ضربناه في الثلثة فصار ثلثة فبني
 ومجموع الانصبا يكون ستة عشر والمراد من القصص عند ارباب هذا
 الفرض ان لا يكون ولا زيادة فيه وما نحن بصدده يكون الزيادة على
 هذا التصحيح من عليه كما لا يخفى درين مثال

اصلا ١٢٢٢ زوج ٤
 اخت لآب ٩
 اخت لآم ١٦
 مسئلة اخرى ٣

مسئلة اخرى لما استفتي عن المولى الموصوف السيد معرفة الله فبني
 حال كونه مفتيا بدمشق انش الموصوف عن هذه المسئلة زيد وقت
 ايدوب ابي زوجه مني وارج فرقة لآب وارج لآب وارج لآب وارج لآب
 لآب وارج فرقة لآب وارج لآب وارج لآب وارج لآب وارج لآب
 عنها وقال تركه يكسركم لآب التي يكون لآب وارج لآب وارج لآب
 يكون ابي زوجه يكسركم لآب وارج لآب وارج لآب وارج لآب وارج لآب
 ارج فرقة لآب وارج لآب وارج لآب وارج لآب وارج لآب وارج لآب
 وصدت هذه المسئلة كخط المولى الموصوف ولكن اقول معصيا
 بخالق العفول تصح هذه المسئلة من اربعة وانثان وثلثين
 لان اصلها من اربعة وخمسين لا جتماع الفرض والثلثين عنها وهو
 ثلثة لا يستقيم على الزوجين بل بينهما مائة فافذ ناعده
 هما والبنات الثلث الثلثان وهما ستة عشر فلا يستقيم عليهم
 وبين عدد رؤسهم وسهامهم مائة ايضا فافذ ناعده رؤسهم
 باسره ولاخوة والاخوات الباقي وهو ستة لا يستقيم عليهم
 وبين عدد رؤسهم وهو بطريق البسط ستة وسهامهم مائة
 ايضا فافذ ناعده رؤسهم باسره فصار عشرين للاعداد المأخوذة لآب
 وس اثنان وثلثة وستة ثم نظرا بين الرؤس والرؤس فوجدنا بين
 الاثنان والثلثة مائة فبني احدى عشر في الاخرى ستة فبني
 الستة والستة توافق بالثلث فبني ثلث احدى مائة في الاخرى
 صارت ثمانية عشر فاذا ضربنا هذا المبلغ في اصل المسئلة وهو اربعة
 وعشرون حصل اربعة وانثان وثلثون منها ثلث المسئلة على جميع

روج
 ام
 احين لاب وام
 وثلثين امان
 وثلثين دينار
 وثلثين دينار
 بصورتها

Handwritten text in Arabic script, likely a list or index, with a prominent diagonal line crossing through it. The text is written in dark ink on aged paper.

و اما در این کتاب که در این کتاب

وین لزیه
 بنی افند مال و وقت مضروب
 و وقت مضروب
 و وقت مضروب
 حصه لزیه و کذاک لعمرو
 و وقت مال
 و وقت و لون و
 ۲۹۲ ار باب غرمانا
 ۲۹۲ سیلغ خایج و مضروب
 ۱۱
 ۱۰
 ۹۱
 حصه لعمرو

دین منطقی ۳۴۰۰
 دین افر ۵۰۰
 دین مخر ۱۵۰۰
 خصم الغواء ۱۶۷۲
 خصم الغواء ۹۱۴
 خصم الغواء ۷۳۶
 بوضوئته مال الیدین بسلطه موافقه عشره اولغز قطعاً
 للمکافه وفق مال اطلاق و بوضوئیه اوج صفرا ید الحاق و حکم
 وفق دیون اطلاق الیتوز طبقاً نقیض مدک خارج دریتوز طبقاً
 ایکی بهر غریک حقیقی علی صده ضرب و حاصل مدک اوج خانه طر و ایدیه
 ختوز مضافی به بیک الیتوز بخش ای و مرقوم ایدیه طقوز یوز سن
 درت و مرقوم ختوز ید یوز و آتوز ستر ایدیه کسابت ایدوب الی الخ
 کسر اولور و قس علی هذا سائر الغواء

حضرت ابن عباس رضی اللہ عنہما امام احمد رحمہ اللہ کتاب صلحہ اولان
نقلی اوزرہ ورنہ دن بعضی کیدر سمنر مال میتہ دن برشتی معلوم
اوزرینہ صلح اٹک جائزہ حتی عمرو بن دینار دن مرویدر کہ عبد الرحمن
بن عوف رضی اللہ عنہ مرض فوتہ اربع روز چند دن حاضر نہت
اصبع منہم الکلمہ بے نلفا طلوع ایوب بعدہ افنا بعدیدہ
دیش را کہ فوت اولدوقہ حضرت عثمان رضی اللہ عنہ غرور بے زوقا
اخر ایلمہ تورنیدہ شریک ایوب حتی ربع عن اولان حکمہ سن
مرقومہ ایلمہ کس اوج بک مبلغ اوزرینہ سائرورنہ ایلمہ مصالحہ

اصلها من ۱۲	رویه مضروب ۴	و حاصل ۴۸
زوج	اربع جدات	ست خوات
۱۲	۱۶	۴۸

<p> $\frac{204}{24}$ ۸۵۰۰ ۸۵۰۰ </p>	<p> $\frac{1000}{112}$ ۸۵۰۰ ۸۵۰۰ </p>	<p> $\frac{1000}{45}$ ۸۵۰۰ ۸۵۰۰ </p>
--	--	---

وَيَحْتَاجُ إِلَى الْفَصْلِ وَالْمَبْلَغِ فَجاءَ بِمَنْحَرٍ
لَا يَضْرِبُ بَعْدَ فَا تَعْدُ الضَّرْبَ فَيَحْتَاجُ إِلَى
سِتْرٍ كَمَا نَفَعَهُ عَلَى رُؤُسِهِمْ فَيَحْتَاجُ إِلَى
ضَرْبٍ آخَرَ لِيَبْصُرَ الْمَسْئَلَةَ

مالی دفرین بید عیالک مشکله ریخته سر اطفال بشن سهرام او و ریخته

اعداد روس مأخوذه
هذه
وفق زبانت
وفق نبات
مخرج زرقين

۶
۴۲
۱۲
۳۰
۳۹
۶۰
۱۵۰

فإن القوة عندنا بقوة دليل القول لا
بقوة الكفايل ولا يشك في ذلك
فإنه عندنا له خبرة في الأصول

بمعنی آفت لایعوبه نیمه نصف وقت لایه
سوس و یلو است حالت انفرادی که در حد
نقصین است

في نسخة
اللاب من جهة فنية
لما قرأه في غنى
من جهة آخر الملقاة لأم وكالات

زیر صوفی قاسم و جدہ بیع مال
دکن

بنو الاعيان بنسب نده لند كرمش خطه الانبياء اقتباس ام ابرار
 الاخذ اليه بنو الاعيان اذ احتوا صده اوله من نوبه مقدار
 فرضي اخذ ايدرك بعد نصيب الحد نصيب كدر اكر نوبه نكس ففصله
 شتي قالورس بنو العلالة ويريلور والافلا شتي لم صورته هكذا
اصلا من ٥ مفر من ٢

جد ٨
 اخذ لابوين ١٠
 اخذ لاب ٢
 بوصورته جد براف منزله سنده قلوب مجموع تقدير ايش اخوات
 اولمفل اصل مثله في عدد ريش اطلاق بشه اولوب اليه سم
 جده اما نصف كل اولان اليه كحق سهم اخذ اعيا نيه نه شكر
 اولمفل اول بشه خرج نصف اتي به ضربه حاصل اولان اول
 المسئلة سهمان ينو برسم على نيه لره غير مستقيم اولمفل عدد ريش ايش

او نه ضرب اندكده مابلغ بكر اولوب **قاعدة ساقه او نه**
 جده سكر واعيا نيه به اول وعلا نيه لره برسم اصابت ايدر
 اما بوصورته اخذان مقامنده برخت اول كاشي قالمار
 زيرا اول صورته جد ايجول نيه مقاشم خير لو اولمفل حد ايله اعيا نيه
 بنسب نده كل مال نصيب اولنور اكر سوال اولنورس اخذ علانية
 ايجول مسئلة عوليه قلند اكر نيه كي اولمفل **جواب بودر**
 زنده علانية جده ايله عصيه اولنور اولمفل العصيه عول اولمفل
 نحن جده ايله بنو الاعيان ويا بنو العلالة ويا ايكس ايله جده صاب
 فرض اخذ اولمفل ايله بعد فرض ذر سهم امور ثلثه دن كه
 مقاسه ثلث

من القعدة المقررة اذا عالت
 من القعدة المقررة اذا عالت
 من القعدة المقررة اذا عالت
 من القعدة المقررة اذا عالت
 من القعدة المقررة اذا عالت
 من القعدة المقررة اذا عالت
 من القعدة المقررة اذا عالت
 من القعدة المقررة اذا عالت
 من القعدة المقررة اذا عالت
 من القعدة المقررة اذا عالت

مقاسه ثلث ما يبق في ورس كدر جده خير لو ويريلور مقاشم خير لو ثلث ما يبق في ورس كدر جده خير لو
 اولمفل مثالي بودر زوج جد ١ بودر ١
 ثلث ما يبق في خير لو اولمفل مثالي بودر ١ بودر ١

جد ٣
 اخذ ١٨
 اخذ ٢
 بوصورته سدر باقيناك ثلث صح اولمفل اصل مثله التي
 به ثلث خرج نصيبه حاصل اطلاق اول سكر دن سهم جده به وعا
 يبقا نيك ثلث اولان بش جده وياقي باقيل لند كرمش نصيب
 الا شتي تقسم اولنور اما جد ايجول سدر كل خير لو اولمفل مثالي به سهم
 بودر جد جده ٢

بوصورته اصل مثله دن اخو نيه برسم مستقيم اولمفل عدد ريش
 به التي ايه خير دن حاصل اولان اول ايكسك نصيب نيه وياقي به سهم كامل دكر
 جده و جده به ايكس سهم اخو نيه دكر اما جد ايجول بطريق الفرض برسم وياقي به سهم كامل دكر
 خير لو اولمفل مثالي بودر ١ بودر ١

عوليه
 زوج ٣
 جد ٢
 بنت ٦
 ام ٢
 اخذ لابوين ١٣
 بوصورته ايرادن فائده اخذ لابوين جده ايله مجور دكر ايكس
 بوصورته كبر بعض عارض حسبيله وارنه اولمفل ايجول و جده ايجول سدر

بوصورته ايرادن فائده اخذ لابوين جده ايله مجور دكر ايكس
 بوصورته كبر بعض عارض حسبيله وارنه اولمفل ايجول و جده ايجول سدر

بوصورته قبل القسمه بنادل بری فوت اولوب و اوج لاب اخین
لابونین ترک ایلمه قسمت متغیر اولور صورته ها کذا

اخین لابونین راج لاب

یعنی ثلثان اخین لابونیه و باقی اخ لابیه دکر انا میت اولور
اولوب و تصحیح لانی ایلم میت نانی بدیده اولان سهم بینلر نه
اوج احواله نظر اولور که تماثل و توافق و تباين در مثال و صورته
معلوم اولور صورته ها کذا

ردیابین و تصحیح ۱۶

زوج بنت اتم

و باقی بدیده من الاول و تصحیح ۹ و اما ثمت ماتت البنت و ترک

صورة للموافقة و باقی بدیده من الاول ۹ و تصحیح ۶

التي هي ام المرأة الاولى تصحیح المحرمين من ضرب وفق الثاني
الى الاول يكون المنا سته منها

حصه الجدة حصه الزوجة حصه الاب حصه الام حصه الابن
حصه الابن حصه البنت

بعده جده مذکور فوت اولوب بوورنه من ترک ایلم صورته ها کذا

و باقی بدیده من الاول والثاني ۹ و تصحیح ۶

زوج ۲ بنت ۱

تصحیح ۱۶ ۳۲

رورة البانیته

فمنها المنا سته
حصه الزوجة حصه الاب حصه الام حصه الابن حصه الابن
حصه البنت حصه الزوج حصه الام حصه الابن

بمن تغیر قسمت صورته قواعد الف او زینه میت اولک

و میت ثانیست مشکلی تصحیح و ورنه سهم سحرانه اعطای اکر نه صرام

میت ثانیست میت اولک بدیده اولان سهم ایلم تصحیح نانی بینلر نه

اوج احواله نظر اولور که تماثل و توافق و تباين در مثال و صورته

باب تصحیح هر فرقه سهامی بلاک منقسم اولوب ضرب حاجت

اولا دینی کی زیر ابو صورته میت اولک تصحیح باب تصحیح اصل

مشکله منزله سنده در تصحیح نانی در باب مذکور ده فرقی مقسوم

علیه یک عدد در اشک منزله سنده در کذلک میت نانی بدیده اولان

شیئی باب مرقومه سائر ورنه نک سحرانه منزله سنده در بقی سهام

مرقومه بلاک منقسم اولور ضرب حاجت یوقدر ایدر صورته

منا سته ده فرقی میت نانی بدیده اولان شیئی اکر تصحیح مشکله مستقیم

بمن تغیر قسمت صورته قواعد الف او زینه میت اولک
و میت ثانیست مشکلی تصحیح و ورنه سهم سحرانه اعطای اکر نه صرام
میت ثانیست میت اولک بدیده اولان سهم ایلم تصحیح نانی بینلر نه

اولا دینی کی زیر ابو صورته میت اولک تصحیح باب تصحیح اصل
مشکله منزله سنده در تصحیح نانی در باب مذکور ده فرقی مقسوم
علیه یک عدد در اشک منزله سنده در کذلک میت نانی بدیده اولان

شیئی باب مرقومه سائر ورنه نک سحرانه منزله سنده در بقی سهام
مرقومه بلاک منقسم اولور ضرب حاجت یوقدر ایدر صورته
منا سته ده فرقی میت نانی بدیده اولان شیئی اکر تصحیح مشکله مستقیم

تصحيح ثمانية مائة
اصحح ثمانية مائة
كرت واحد وكرت

وارت فونت اوله اي صورت به بلكه عمل لا تفاوت برور
تذنيب صورة شايخه تقسيم مال الجكون اي قاعده وارور
بر ميث اولك مالني تصحيح ثمانية مائة
آخر كرت مشايخ اوزر يني على حده تقسيم اتكدر تصحيح ثمانية مائة
كرت واحد وكرت متقددا ورسول بوقت كرت يني ثمانية مائة
بالنسبة اول شيمه وانبوبانكدر خالي تصحيح ثمانية مائة
اول نور هكذا الي ما ينهي وبقاعده دفي اولد كرت ميث اولك
مالني تصحيح ثمانية مائة وورثه تقسيم ايدوب بعده اول وورثه
قبل القسيمة متقافا فونت اولد كرت فونت مورثه اول انتقال
ايدك مالدين على حده وارثه تقسيم اتكدر بوقت قاعده ده
بر ميثيك يالنه مورثه اول انتقال ايدك مالني دفي ضم ووارثه تقسيم
اول نور قطعا لساقه بس قاعده ثمانية مائة اهل قاعده ثمانية
اولغاين تصويره تقديم اولندي صورثها هكذا

اصلها من ٦

زوج ميرم ابن محمدر ابن اهر بنت فاطم بنت عيني

١٠٠٠	٢٣٣٢	٢٣٣٢	١١٦٦	١١٦٦
------	------	------	------	------

ثم ماتت فاطمة المرقومة ومافي يدها من الميث الاول

واحد المرقومة واخا لالبون محمدر نور واخا لالبون محمدر نور

١٩٤	٤٨٥	٤٨٥	٢٣٣٢	٢٣٣٢
١٠٠٠	٤٨٥	٤٨٥	٢٣٣٢	٢٣٣٢
١١٩٤	٢٨١٧	٢٨١٧	٢٨١٧	٢٨١٧

ثم مات

تصحيح ثمانية مائة
اصحح ثمانية مائة
كرت واحد وكرت

ثم مات محمدر المرقوم ومافي يده من الاول والثاني

واحد المرقوم واخا لالبون محمدر نور واخا لالبون محمدر نور

١٩٤	٤٨٥	٤٨٥	٢٣٣٢	٢٣٣٢
١٠٠٠	٤٨٥	٤٨٥	٢٣٣٢	٢٣٣٢
١١٩٤	٢٨١٧	٢٨١٧	٢٨١٧	٢٨١٧

ثم مات

اقامت اولك مال مستقلا تصحيح ثمانية مائة اولد كرت ميث ثالثة

اولان فرور محمدر كرت مشايخ اوزر يني تقسيم اولد كرت قاعده سيدر كرت ذكر

اصلها من ٨

زوج ميرم ابن محمدر ابن اهر بنت فاطم بنت عيني

١٤	١٤	١٤	١٤	١٤
----	----	----	----	----

ثم ماتت فاطمة المرقومة ومافي يدها من الميث الاول ٧ وكرت

واحد المرقومة واخا لالبون محمدر نور واخا لالبون محمدر نور

١٤	١٤	١٤	١٤	١٤
----	----	----	----	----

ميت ثمانية مائة اولان بدرسم الميث تصحيح ثمانية مائة اول اي سبيلينه

سبيلينه اولد كرت تصحيح ثمانية مائة تصحيح اول فرق سبيلينه سبيلينه اولد كرت

بشيوه يجل التي تصحيح سبيلينه اول نور صورة هكذا

واحد المرقومة واخا لالبون محمدر نور واخا لالبون محمدر نور

٨٦	٢٠٣	٢٠٣	٢٠٣	٢٠٣
----	-----	-----	-----	-----

بعد از بنو محمد در فی قوت اول و قدومه میت اول و فائیدن محمد سر
 ام مسمی القوم اصلا من ۶ لجج الخبای ۳۴۵۶
 اخلا بون احمد المرقوم

بوصورتہ دخر نور شہرت بدندہ اولان ایکینوز اوج سہم الیہ
ثانی التي بینارندہ نباینت اولغل بعد القرب مابلع ۶۵۶

٧١٩ - ٢٢٣٣
 من التبرع
 من التبرع
 من التبرع
 ٥٠٤

بس نصیحت نکران اوج یک در تنویر الی القیال اوج مرتبه ده دیروز
اول طغور حرم خلودینه وای یک الیکوز اوتوز اوج دفر مرقوم
احمره دفر نور غنمیه دفر بر مرتبه ده شش روزت سه ماه است

این تصحیح و المال بوسیله و موافق با التمس او بلیغ بحدود
هر وارزنگ سهمی و فوق مال ضرب و ما بلیغ و فوق تصحیح سهم آنند که
میرم فرموده بیک التمس التمس درت و موقوفه هر بخش بیک توز
التمس التي في حصة أصابت أيوب قاعدة الجرد طقوز و
ثانی ده ایکی آنجه که او لور اما هر متبیک مال میر و که لندر مور و زنده
انتقال ایدن خصصه سهم و ورنه سهم تقسیم او غنی معرفتی قاعدة
اولی دن معلومه او بلیغ طی اولندر الله اعلم بالصواب

باب ذوی الاحرام

صورة الضرب
٧٥٦
٠٠٦
٣٤٥٦

ثمن مال مضروب
 عن ماله
 ٤٢٢
 ١٠٠٠

$$\begin{array}{r} 1 \dots \dots \\ \underline{V 1 9} \\ 9 \dots \dots \\ V \dots \dots \\ \underline{V 1 9} \dots \dots \end{array}$$

٢٣٢ ٧١٩٠٠٠
١٩٩٤ حصه مرمه المال
وفر على هذا حصصه
الورثه

بوفی اصطلاحاً صندھ من عہد الاولاد رخا قرات ووصلتہ ذوالارحام
 اطلاق وسمیہ اولنور خلافا برائیدن واکثر صحابہ مجتہدین رضوان
 اللہ تعالیٰ علیہم اجمعین قتل نہ شدہ مثل ابن سعید و معاذ بن جبل
 و ابوالمزہر و ابو عبیدہ بن الجراح و ابن عباس اشہر و ابانہ
 لکنکتاب بعیدن غایق و اسود و ابیہم و شرح حسن و ابن سیرین
 و عطاء و طرس و عبیدہ السمانی و فکر و ق و جابر بن زید رحم
 اللہ تعالیٰ اجمعین ذوالارحامی توریثہ اتفاق انمشہد در و اصحاب
 بمزدن امام اعظم و امامین و امام زفر و عیسیٰ بن ابان و یونکرہ
 موافقت کردن ابان ایہ تلمیذی دخر ذوالارحامی توریثہ زہب
 اولمشہد در آما زید بن ثابت و روایت شاذہ دہ ابن عباس
 و سعید بن المسیب و سعید بن جبیر رضوان اللہ تعالیٰ علیہم اجمعین
 ذوالارحامی توریثہ قائل الروالمیوس و فریور کرہ اعطاء اقصا
 اید مال بیت المالک وضع اولنور در توریثہ لکنک امام مالک و امام
 شافعی دخر تومسلکہ ساکلم در بیان المجتہدین اطلاق سبب
 اختلافی اطلاق بدہ طرف احجاز ترضیح و اختیار اولنور **بس**
 توریثہ قائل اولنور قندہ ذوالارحام درت اصناف **صنف**
اول متبہ منسوب اولاندر اولخر ایکی نوع در برابر اولان بنادر
 کوثر ذکر و کرک اشقی اولسون و ان سفکو **و بر نوخر** ذوالارحام
 بنات ابندر لکنک **صنف ثانی** متبہ انک منسوب اولنور
 اولخر ایکی نوع در برابر احد اساقطوندر و ان علو مثل متبہ
 اناسی بابک کبر و اناسی بابک کبر بر بر دخر جد اساقطوندر

ذکر توریہ حاجت یوفز باب العصبت کبر
۳۹

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

على غنى الكون
بما روي عنه في كل وقت
من الامور والاشياء
والمراد الانبياء
منه مذکور اعرف

و بوند موافقت اید باینکه استحقاقه عدل به درک به نظر کند
تشریل و مال به سه ماده تقسیم اید بر دو صورت سابقه ده کال بیت
بنت صلب اید او علی قرن ترک آن شد و بر دو تقسیم مالد و فی
اختلاف اولی در متناهی است علی رضی الله عنه قیاسه و زده مال
ارباع اولوب ثلثه اربع بنت بنت و ربع بنت بنت ایند و
زیر اموی الیه بنت صلب اید بنت بنت ایند و اید اما ابن جود
قیاسه و زده مال اسد اولوب خسته اسد این بنت بنت سیدی
بنت اخیه دگر زیر اموی الیه زده قابل دگر و وجه تشریل استحقاقی
رائی اید اثبات ممکن اولیوب کبابه کذلک سنت اجتماع در
نقل و دلیل اولی و ثانی عدل و عدل به مقامه اقامت اید و بقیه
اصول فرعه اعطا اید بر اما بوعتبار بر قول خسته نمود اولوب
مثلا مدله بر دقیق و یکا فز اولوب عدل بالکلیه میراندن محروم
اولی اقتضا اید بر شخص غیره اولان معنی آجول میراندن
محروم اتمک جایز دکل اید و استخدا اما اهل رحم قول کرده که
نوح این درج و جنبش بن بشر در صورت فریود به بین البسین
مال نصفان اولوب زیز فریود تا نیک میراندن استحقاق فریه سبب
وصف عام اولان رحم که اقرب و بعد از ده مساوی یک در
هذه اقوال اهل الرحم اگر فریود در جبهه مساوی اولوب
صاحب فرض ولد را و در مثل این بنت این بنت را و ولد
ولد نانه ذات رحم ولد را و اما صاحب فرض ولد را و ولد حکم بیسته
اقریدر

و هو الرحم الثالث بقوله تعالی
والاولی الاصل انما قرینه
و اولی الاصل و اولی الاصل
بولیما فرمایان فریه حکم بیسته

ومن تابعها

اقریدر اگر فریوده در جمل بر ابر اولوب و صاحب فرض ولد را و ولد
بنت این بنت اید این بنت بنت کبر و یا خود جمل بر صاحب فرض
ولد را و بنت این بنت اید بنت بنت کبر اما ابو یوسف گفته امام
اعظم در روایت شافعه و زده و اما حسن بن سیر و روایتی اید این
فروع اعتبار اید مال بیننده تقسیم اولوب و کبر صفت اصل در
ذکوره و انوشه متفق اولسون مثال اخیر کبر کبر مختلفه اولوب
مثال اول کبر یعنی عدم اختلاف اید علی السوی و حالت اختلاف اید
لذا کضعف بقیه الاشی اولوب صفات اصل کبریه اعتبار اولوب
اما امام محمد صفت اصول متفق اولوب اید این فروع اعتبار و امام
ابو یوسف موافقت اید را که مختلفه اولوب اصول اعتبار اید و
یعنی میراث اصول فروع اعطا اید بر مخالفه **بسم** امام محمد
اختیار را امام اعظم کاشم روایتی و امام حسن روایت اخیر
اما اصل در متفق اولوب اید این فروع اعتبار اید اما متفق
مثال

بنت **بنت** **بنت** **بنت**
بسم بوضوح ثانیه ده امام ابو یوسف اید این فروع اعتبار و مالی
لذا کضعف بقیه الاشی تقسیم اید اما امام محمد گفته بطلن ثانیه
اختلاف اولی و ثانی علی العکس اید و بثلثان مالی بنت این
بنت و بر در کبر بقیه و ثلث مالی و این بنت بنت و بر
اخری نصیب دگر که امام فریود حال اصول بطلن ثانیه اعتبار اید کبر

صاحب فرض ولد و کضعف
اولی و ثانی و کضعف
اولی و ثانی و کضعف
اولی و ثانی و کضعف

بوسا نکه ذوالارحام التی در جبهه اولدنی صورته اولانی شمس
 اولوب اصلای سیرینده صاحب غرض و قدر **بس** امام ابو
 یوسف قسیده ایدان فروغ که بطن سادسین کتایید در طریق البسط
 اول شمس بنت اولمغل قسیده عددر شمسین اولور امام محمد
 قوی اوزره القس سمدن محمد اولور و علیه الفتوی زیر بطریق
 بسط طریق اول شمس بنت و کفین الی سهم ابنا و طقوز
 سهم بناته و یریلوب بعده ذکور بطایفه قلموب نصیب اولان
 الی سهم اول اوج انیک فرعلرین بطن نالنده بر این و انکی بنه
 لاجل الاختلاف انصاف اولور بعده ابن مرقومه اصابت ایدان
 اوج سهم مرقوم فرعه اختلاف اولما بعله اخ فرعه و
 یریلور بعده بطن نالنده اولان الی بنیک فرعه و عدل بطن حامد
 کندراز الزنده اختلاف اولمغل حصه لرا اولان اوج سهم بطن
 خامسه بر این و یرینته لکن مثل حظ الانثیین تقسیم اولور
 بعده بر بنیک حصه بطن سادسه اولان فرعلرینه دفع اولور
بس نصیب ابنا اولان الی سهم فرعلرینک اختلاف صفای
 خبیله مشتمل اولور بعده بطن اولان طایفه انانیک نصیب
 اولان طقوز سهم الی فرعلرینه نظر اولند قدیه بطن نالنده کند
 از الزنده اوج ابن و الی بنت اولمغل بعله بسط حامله سر اول
 الی اولور لکن نصیب اولان طقوز ایلد عددر لک بر بنیک زنده
 توافق بالثلث اولمغین وفق رؤس اولان در در اصل شکله
 ضربدن

ضربدن مایه القس و تقسیم مشتمل اولور **بس** بطن اولان بنون
 طایفه سنیک الی سهم اول در ده ضربله یکم در دست حاصل اولوب
 بومیلغ از آیه بنین اولان بطن نالنده که فرعلر بر این و انکی بنه
 انصاف یعنی اول انیک و یریلوب بعده ابن مرقومه حصه بطن
 سادسه اخ فرعه اولان بنه دفع اولور لعدم الاختلاف
 بعده اول الی بنیک حصه لرا اولان اول الی سهم دخ بطن خامسه
 کندراز الزنده اولان بر این و یرینته تقسیم اولند قدیه بر بنیک نصیب
 بطن سادسه اولان فرعلرینه دفع اولور بعده بطن اولان بنات
 طایفه سیرینده اولان طقوز سهم در ده ضربله و نوز الی حاصل اولور
 بعله نظر فی البطن الثالث فرعلر لرا سنده اولان اوج ابن و الی
 بنه تقسیم اولند قدیه اول سکر بناته و اول سکر بناته اصابت ایدان
 لاجل الاختلاف مرقوم دخ الی طایفه قلموب بنون طایفه سنیک
 فرعه و عدل بطن رابعه بر این و الی بنت اولمغل طقوز سهم اینه
 و طقوز سهم الی بنه اصابت ایدر بعده ابن مرقوم نصیب اخ
 فرعه دفع اولور لعدم الاختلاف فیه بعده اول الی بنیک
 نصیب اولان طقوز سهم دخ بطن سادسه کندراز الزنده فرعلر
 اولان بر این و یرینته انانا اعطاول نور کند بطن نالنده اولان
 الی بناتک سهم بطن رابعه از الزنده فرعلر اوج ابن و الی
 بنه تقسیم و فرعلر الی طایفه ایدوب بنون زمر سنه اصابت
 ایدان اول الی سهم بطن خامسه از الزنده فرعلر بر این و الی بنه
 تقسیم اولند قدیه ابنا اصابت ایدان الی سهم بطن سادسه اولان فرعه

عند حجره اصله من ٢ مشروب من ٩

سوی الیہ قوت قرابت
اعتبار اید
منہ

کما سبق فی احوال شیخی
العلما

یعنی آفت لا یوس و لا یریم اول
بسنکرده

اصد مثال اصل مثله ضرب اند که مطلقه حاصل اولوب بعده هر
وارثه اصله سهمی مضروب مذکور اوبه ضرب اید بحک بنو الاضافه
اوج و فردینه بر روافه لایون قرنیه اوج و اخت لایون قرینه دخل مذکور
مثل خط الانشاع اوج سه هم در کراکت اضوة متصرفین میناسنت
بناتک ترک انت صور کتیه کیر جمله مال اخ لایونیک اوغل قرینه
ذکره الاتفاق زیر امر بویه عصبه ولر اولد بخول اخ لام اوغلنک قرینه
اوزرینه تقدم ایدوب وقوة قرآسی اولغله لاب اوغلنک قرینه دخل
تقدم ایدر صورته چکدا

یرضی لاب و ام
 یرضی لاب
 یرضی لام
 بن
 بن
 بن
 م
 م
 م

کذا که بوضیفه او سوله فروعک تقدیریه است اعتبار اول نور اما
مینک اختلافی اوزره تقسیم مثالدر که دیگر اول نور
عند امام محمد اصلها من ۱۱ فروع ۲۲ **اصح** ۲۴

ارضلاب
 ابن بنت
 ٢
 ارضلاب
 ابن بنت
 ١٦
 ١٨
 ارضلاب
 ابن بنت
 ١٤
 ١٨
 ارضلاب
 ابن بنت
 ١٤
 ١٨

این تصویر از سوره که در کتاب آمده است
 در صورتی که اعتبار به آن باشد
 عیناً در صورتی که اعتبار به آن باشد
 حدیثی که در کتاب آمده است

اصحاب و خبر قرات اینها در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**
اول این است و اولی است و اولی است و اولی است
 اول نور که خبر قرات اینها در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**
 حال قرات اینها در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**
 حکم صنف رابع اولاد اینها در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**

فصل فی الحاشی

خبر و خشنایه اولاد اینها در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**
 و علی الفتوی اولاد اینها در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**
 التین وجودی است و اولاد اینها در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**
 فوت اولاد صغیره التین وجودی است و اولاد اینها در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**
 اولی مثل اینها در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**
 اولی که در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**
 خروج و هم لینی نزل آید یا خود بگوید یا از طریق دیگر
 عدلی که شنبه و قریح اولاد اینها در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**
 و امام اعظم و امام محمد و امام جعفر و امام موسی و امام علی و امام زین العابدین
 و آرد و اولاد اینها در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**

یعنی اینها در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**
 قد و در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**

و خبر کافیه و در خبر و خطبه مذکور اولاد اینها در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**
 قد و در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**
 بوکت ثلثه ده مذکور اولاد اینها در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**
 انفاقید را امام ابو یوسف و قول اخیر و قول اولاد اینها در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**
 قول اخیر

قول اخیر اولاد اینها در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**
 اولاد اینها در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**
 حاله مثال اینها در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**
 علی نصیب الذکر خشنای خبر و اولاد اینها در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**
 لام و خشنای اینها در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**
 تقدیر اولاد اینها در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**
 بر ستم اصابت اید و اولاد اینها در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**
 صاحبیه فضل اولاد اینها در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**
 نقصان اولاد اینها در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**

این و اولاد اینها در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**
 اما حرمان جهنم در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**

زوج اخت لایون خشنای با اعتبار العصوة لای

اگر صورتی که مانده خشنای اینها در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**
 اما عصبه و یحیی مسئله ده باقی اولاد اینها در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**
 قیل ذکر **ب** اول نصیب اینها در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**
 ایله تفییر و خشنای اینها در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**

این بنت ولد خشنای

عامه صحابه قول را و در آن وقت تقدیم اول نور ذکر **الکافی**

ذكورة وانوثه اعتبارا بلبه اما متيقين اولاد بر بنت نصيب در زياده
مشكو كدر وشك اولاد خنثي اولاد زياده به سخي اولاد زياده اما بر قائل
قتنه بو تعليلك سخي خنثي سخي باقى اولاد خنثي ورنه نكاحه
لرنيه سخي سخي نيه ورنه به رد اولاد نور زرام قوي ذكر اعتبار بلبه مشك
شدن وانثي اعتبار بلبه در تدان اولاد به صورت اولاد به متيقن اولاد ابنه
خنان و بنته قدر و صورت نائيه به غير متيقن را به نصف
و بنته ربع در **ب** متيقن ابن حصه زايه اولاد نصف و
خنان بنو بنت حصه ربع ايله خمس سنيكده فضل و شك اولاد
خف يا كذا ابن ايله بنت سخي اولاد مافان حصص اولاد سخي
اول فضل نيه مرفوعه رد اولاد عالم شيعي و اوزني و نورني
واين ايلي و نعيم بن عمار و كمي بن ادم قتلنده و عبدالله بن عباس
قول و اولاد خنثي و زرينه خنثي مشك اولاد بالمتاخره نصف نصيب
و در اصل طرفه سخي متيقن اولاد فضل التينه اعتبار الكن اعتبار خنثي
ايله مافان متيقن متيقن جمع اولاد نيه مرفوعه رد اولاد سخي
بن صفي الوجا و النساء اولاد نيه اتفاق فعل و رد اما عالم شيعي
قياسك خنثي اما مافان اختلاف اولاد اولاد اولاد مافان مافان
اولاد خنثي ابنه بر بنته نصف خنثي كنه ثلثه اربع سهم در
زرام قوم اين كمي سهم كامله و بنت كنه نصف سهم سخي اولاد خنثي
متيقن اولاد نصف نصيب خنثي ايله كنه حصه ايله نصف سهم
و بنته نصف نصيب سهم اولاد كنه ثلثه اربع سهم در
نصف سهم متيقن و ربع سهم بين اولاد متيقن نيه اولاد
بوقسيم

بوقسيم دفعه لثني اء اولاد مثلا بكنه بردار كنه و بر در خنثي
اذق اولاد كنه اولاد كنه ثلثه اربعه و ثلثه ربعه سخي اولاد كنه
بو وجه امام ابو كنه عالم شيعي و نكاحه و به اخير **ب**
خنثي اء اولاد كنه ثلثه اربعه اربع سهم اولاد ورنه نكاحه
نصيب كنه سهم كامل ايله ربع سهم ناقص اولاد اهل السط
مجموعه خرج ربع ضرب اولاد طهوز اربع اولاد و بعد الصراح
طهوز سهم كامل اولاد در سهم ابنه سهم بنته و نصف نصيب
اولاد اوج سهم خنثي به ذكر اما امام مرفوعه و به اخير اوزر نيه
ايلي سهم ابنه سهم بنته و نصف نصيب اولاد بر و نصف سهم
خنثي به و بر يوب در سهم كامل و نصف ناقص اولاد كنه نصيب
اصل اء اولاد سهم سخي نصف ضرب طهوز اربع اولاد كنه
قلند طهوز سهم كامل اولاد **م** خنثي اء اولاد
اما امام مرفوعه قيس مرفوعه اوزر مرفوعه خنثي به ذكر
اعتبار بلبه مشك شدن وانثي اعتبار بلبه در تدان اولاد اولاد اعتبار
اوزر مرفوعه خنثي خنان و اعتبار نائيه ربع مال اولاد
ايلي نصيبك نصف اولاد خمس ايله و نكاحه كنه اولاد كنه
خرصن كنه خنثي خنثي خنثي خنثي خنثي خنثي خنثي خنثي
شدن حصه در دره و در تدان حصه به ضرب اولاد كنه
حصه لرب معلوم اولاد صورت مكنه

نصف سهم ٤٠	غنچه
خنثي ١٣	ابن ١٨ بنت ٩

بوسورته خشتانك ذكره مشكند اولان ايكي سهمني انوش مشكند
 درده ضربك سكر اولوب وانوش مشكند اولان بر سهمني ذكره مشكند
 بنه ضربك ايكي سورتده اصل اولان جمعا اول وچ سهم خور كس ايكي حالني اعتبار
 بده نصف تقسيم در كذا كذا بنك در مشكند ذكره اولان خسته ايكي در ده
 وانوش مشكند خسته ايكي بنه ضربك مجموع خسته اول سكر اولور بنك در
 بوسورال اوزره ضربك خسته طفق اولور اما بعينها اما بنك اختلافي
 مقصود اولان نصف نصيب سكر در كل طرقي تقسيمه در در لركن
 اختلاف مقصوده اولين صورت آتيدن ظاهر اولور مشكند خشتي اين
 واحد اوله امم ابو يوسف قول اوزره خور كس خسته ذكره وانوش
 نصف نصيب اولان بر سهم ايكي ربع سهم اولفك بعد البسط حلكه سكر
 اربع اولوب نصيب مشكند خشتي سكر اولان بديده اولفين در سهم
 ابنه اوج سهم خشتايد ذكر بطايع العول اما اوج سهم خور و ستر اوزره اولان
 سهم خشتايد بر سهم و كذا خور كس خسته ذكر اعتبار بده نصف خشتي اعتبار
 ثلث مال خسته لانه اولفك ايكي خسته نك نصفاري نصف نصفه ثلثه
 باقي انك اولور و بوسر ماك اقل خور اولان ايكي اولوب نصفك نصف
 اوج و ثلثك نصف ايكي جمعا خشتايد بر سهم سكر بديده اوج
 سهم اولان ايكي بر سهم سكر زياده المدي خشتي دكلر و صورت اولده
 بر مشكند كس خشتي اخوانك كلنه و هر وارنك سهمني جميع اخوه ضرب
 اتمك قاعده مشكند بنه بنه مابنت اولد خسته بناء در اما
 صورته موافقه بر بنك و فقه بر بنك كلنه و هر وارنك خسته
 وفق اخرايه ضرب ايده سن **كاهر** كذا كذا سياق اينده دل در علوم
 اما عند الشافعي

فصل في الحمل

بين اثنتا اكر مدت حمل ايكي سنه در و بمقداره دليل و تمسكه
 عايشه در كه رضي الله عنها عن ابيها انها قالت لا يسبق الولد في الحمل
 انه اكثر من ستمين ولو قبله مخزول يعني ولد بطن
 امه ايكي سنه در مسكن دوران مقول ظلي مقداري نكث اعجز دكلر و بوسر
 خصوصه رايه مساع اويا مغله خشتي رايه نكث بوقول سماع طرقيده
 اما لث بن سعد الفهر قسده مده ذكره اوج سنه اولوب و خشتايد
 و عبد العزيز باجشونه در در سنه ده تولد اتمك مشهور و بومقدار
 مده نكث باجشونه نكث وضع حمل اندك عاده معروفه اولفك
 اما لث في قسده مده خرومدرت سنه در اما بزم اتمك خرا خشتايد
 و الكعبه الغر من انفسها اولفك مده نكث تولد اتمك كلن نه كند بوسر
 و نه غير عايق اولوب و رحم امه اولان خسته جناب رتبا العرت
 جض نكث در غير بر فردك الطلاع اويا مفايع اتمك مده نكث و نكث
 رحم بر مرض مانعه حمل اتمك در اما اقل مده حمل التي ايد بالانها
 زير اتمك و فصا كس حلكه سكر اولور اي اولوب و فصا لايكي سنه اولان خرايه

بوسورته خشتانك ذكره مشكند اولان ايكي سهمني انوش مشكند
 درده ضربك سكر اولوب وانوش مشكند اولان بر سهمني ذكره مشكند
 بنه ضربك ايكي سورتده اصل اولان جمعا اول وچ سهم خور كس ايكي حالني اعتبار
 بده نصف تقسيم در كذا كذا بنك در مشكند ذكره اولان خسته ايكي در ده
 وانوش مشكند خسته ايكي بنه ضربك مجموع خسته اول سكر اولور بنك در
 بوسورال اوزره ضربك خسته طفق اولور اما بعينها اما بنك اختلافي
 مقصود اولان نصف نصيب سكر در كل طرقي تقسيمه در در لركن
 اختلاف مقصوده اولين صورت آتيدن ظاهر اولور مشكند خشتي اين
 واحد اوله امم ابو يوسف قول اوزره خور كس خسته ذكره وانوش
 نصف نصيب اولان بر سهم ايكي ربع سهم اولفك بعد البسط حلكه سكر
 اربع اولوب نصيب مشكند خشتي سكر اولان بديده اولفين در سهم
 ابنه اوج سهم خشتايد ذكر بطايع العول اما اوج سهم خور و ستر اوزره اولان
 سهم خشتايد بر سهم و كذا خور كس خسته ذكر اعتبار بده نصف خشتي اعتبار
 ثلث مال خسته لانه اولفك ايكي خسته نك نصفاري نصف نصفه ثلثه
 باقي انك اولور و بوسر ماك اقل خور اولان ايكي اولوب نصفك نصف
 اوج و ثلثك نصف ايكي جمعا خشتايد بر سهم سكر بديده اوج
 سهم اولان ايكي بر سهم سكر زياده المدي خشتي دكلر و صورت اولده
 بر مشكند كس خشتي اخوانك كلنه و هر وارنك سهمني جميع اخوه ضرب
 اتمك قاعده مشكند بنه بنه مابنت اولد خسته بناء در اما
 صورته موافقه بر بنك و فقه بر بنك كلنه و هر وارنك خسته
 وفق اخرايه ضرب ايده سن **كاهر** كذا كذا سياق اينده دل در علوم
 اما عند الشافعي

کما فی قوله تعالی
حمله وفضاله نلشون
الایة ثم قال وفضاله فی عامان
وفی مدة الفصال خلا فلاب
حقیقة علی ما بین فی
وهم اولاد ابن اسمعیل الکونی
اصل که امام شهرت ثانی فیدر

کریم الله ذات ارجح جملة التي آياها لوجبت حضرت عثمان رضي الله عنه
زمان خلافتا زنده برکنه برآمده ترویج اندک آن ای خاصه برکوب وضع
حمل اییک حضرت موسی الیه مرقوم در حجت اندکه ابن عباس
رضی الله عنه بویه کریم الیم جواب منع انکلی حضرت موسی الیم ذواله
مرقومک شبین غنونه نک زو جندک اثبات اندکی منقول او کوب
وبوقضت نک مثلی حضرت علیدن ذوقضی الله عنه مرقوم در **بس**
بن الایم حکمک نصیبک اختلاف اولوب امام عظم قنده المارک
روایت اوزره درت بنوک ویا درت بنایدن قنفسیه اکثر ایش محل
اجول اولقه حصه موقوف اولوب اقل انصبا بقیه ورنه به
اعطا اولتور که لک شریک وکفی وامامک فقی وامام مالک دخی
احتیاطا بطریقه ساکله در حجت شریک کوفه بطن وصد درت
اینا تولد ایلیکن مشاهد وروایت بدو بدخرا اکثر اوله غنیه مقده
میتد نقل اولامقله بو مقدر الیم انکفا اولمشد دریر اما امام محمد
قنده لیث بن سعد روایت اوزره اوج بنوک ویا اوج بنایدن
اکثر نیک حصه موقوف اولور کن بوروات شروع اصلیده وعامة
روایاتده غیر مذکور در امام معهود در روایت اخر سنده که قول سنده
که لک امام ابو یوسف ای قولنده برنده هشتام روایت اوزره موقوف
اولان ای ابن ویا ای بنیدن اکثر نیک نصیب در صورت اول غایت
در تده اولمقله فی حکم مقتدا اولنه بنیدر که ولادت اششیدر
اما امام موسی روایت اخر سنده که خصافدن منقولدر **وهو**
الاستماع وعلیه الفتوی که لک صدر الشریک نقل اوزره بر ابن
ویا بر بنیدن

ویا بر بنیدن اکثر نیک نصیب موقوف اولور زراعتا غالب بر المقله
حکم اکا بنی اولو خلا فی معلوم اولمقله اما فقا وار اهل سمرقنده اگر
ولادت قریبه به شیت یا فخر اولور زراعتا جلیله تقدرا اولان حکمک
خلا فی ظاهر موراکمل قسنت لغوا اولور اگر بقیده ایش توقف اولمان
باقی ورنه به اضار مال اولو بخول وقریب وبعده مقدار را ای
حاکم مفوضدر **کذا فی الحاشیة** اما واقعات ناطقیده مذکور
اولان نفس جمله شبهه اولمقله نصیب افرا اولمقله ترکین
الورنه تقسیم اولنوب وبعده ولادة قسنت استناف اولنور
وامام ابو یوسف خصله خصاف روا سنده فاضی ابن واحد نصیبدن
زیاده اجول ورنه دن کفیل اخذ اندر بحر حمله نظر لا الصول قضایه
نک امام شهر قنده حششی الیم اولان ایندک نلشک زیاده اجول کفیل
اخذ اولنوردی اما امام عظم قنده درت بنوک ویا درت بنایدن
اکثر نیک نصیب در تقدیر اولمقله کفیل اخذ نه وجه بو قدر **بس**
حمل ذوق ای نوع اوزره بر بنیدن بر در حجتک اقربا سنده اوله
اکر حمل میتدن اوله مثلاً برکنه زوج حاکم ترک اندوب بعده
مردود دخی اکثر مدید حمل خاصه که برنم قمرده ای سنده در یا خود
بر اکثر دن اقل مدیده ولد نور سیر واثبات محملنده انقضای عدته
مقره اوله ذلک الولد اول میتدن که لک بعده فوت اولان اقربا
ذوق وارث اولور اگر سؤال اولنور که وقت موت مورثه وارثک
حیوانی شرطدر **بس** بخله بجه وارث اولور جواب نعم یعنی
اولیه در اما نطفه اجول حی حکم وارث حیوت اجول مقده اولد فی

بعضیدر قنده مادیون شهر مدته قریبه
یعنی خشنایک اخذ اندکی نلشک باقی اجول
اول باقی به ذوق ابن اخذ اندک
کفیل اخذ اولنور

و ما كلته ضرب يدوب و حاصله اقل من ذلك الورثة اعطى اياه سن
 متفقان او لم تكن و بين الحاصلين اطلاق فضل حاكم على ظهوره
 ذلك موقوفه او لم يكن بقدر الظهور جميع موقوفه مستحق اولو رسه فيها
 والا حصه من ذلك باقى اطلاق سائر ورثة تلك حصص موقوفه لغيره
 لانه رزق قسيم اوله و صورة **مسئلة العمل على نه بر الذاكر**
على قول اربع حصص و حصة

زوج	اب	ام	بنت	حل اشياء
$\frac{3}{4}$	$\frac{1}{4}$	$\frac{1}{4}$	$\frac{1}{4}$	اكثر او اربعة
$\frac{3}{4}$	$\frac{1}{4}$	$\frac{1}{4}$	$\frac{1}{4}$	اكثر او اربعة
موقوف	موقوف	موقوف	موقوف	اكثر او اربعة

وعلى تقدير الاشياء يكون التقسيم هكذا

عولية الى ٢٧

زوج	اب	ام	بنت	حل اشياء
$\frac{3}{4}$	$\frac{1}{4}$	$\frac{1}{4}$	$\frac{1}{4}$	اكثر او اربعة
$\frac{3}{4}$	$\frac{1}{4}$	$\frac{1}{4}$	$\frac{1}{4}$	اكثر او اربعة
موقوف	موقوف	موقوف	موقوف	اكثر او اربعة

و مجموع اول النسيب ١٠٠ و تقسيم الخصال ٢١٦

بوصورة جملة ذكر اعتباره مسئلة كم عدد ذلك و انظر اعتباره كم
 يدرك اولوب و بين النسيب من موقفة ثلثة يدوب و ثلثة ثلثة
 برتلك كلته ضرب يدوب ما بلغ التوزيع اول النسيب و اولوب هو و انظر مسئلة
 ذكر تدرك

ذكر تدرك سهم النسيب و وقع لقوزة ضرب يدوب كم عدد تدرك
 يدرك هو برتلك او تدرك ليش سهم اصابت يدوب و مسئلة النسيب
 حصه لرب مسئلة ذكر تدرك و وقع سكر ضرب يدوب كم عدد تدرك
 و ابو تدرك هو برتلك او تدرك ليش سهم اصابت يدوب و بنت تدرك
 على قول اربع حصص تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك
 بر سهم كامل اربعة اشياء سهم تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك
 ضرب يدوب حاصل اطلاق اول اوج تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك
 اقل نصيبك حكم بر تدرك بر سهم و باقى تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك
 او تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك
 بنت تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك
 بين البنات على السوية تقسيم او تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك
 زوج يدوب و ابو تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك
 زوج يدوب كم عدد تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك
 بنت تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك
 للتدرك تدرك التدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك
 والا سائر موارث تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك
 اول تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك
 نصيب التدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك
 موقوف اطلاق تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك
 طلق تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك تدرك
 كذا اولوب و بعد كمال النصف اربعة قوز سهم تدرك تدرك تدرك تدرك

اعلم ان حصه اب جله فرق بنسب سهم اولور صورت هكذا
 على قول محمد ٢١٦

زوج	اب	ام	بنات
٢٧	١٠	١٠	١٠
	عقوبة	عقوبة	عقوبة
	٤٥	٤٥	٤٥

قوله فمن ورثه من رجل وورثه من رجلين
 اكا كمالا فرضي اعطى اولوب توقف اولما
 براءة حامل تركت وياضو جده به بدل
 من زوجة بن وبن وبن وبن وبن وبن وبن
 بركة ساقط اولور كسنة اولما كاحصه
 لا يتجوز دكل بلكه سقوط اصحاب الجوار
 ثلاثية امرأة حامل اليه برف وياضو
 زلمة زوراه حصه وري بلكه كبر بس
 اطلاق ورثه در الجوار والله اعلم بالصواب

والفرق بين المهر والمهر
 واضح وان شق على من غفل

فصل في المفقود

فمنها اصطلاحا حنده مفقود خبر معلوم اولين غايبة الطلاق
 اولنور وبواجلان زبور كصوة ومجانة من معلوم اولما
 مفقود معرفة حاله عدم معرفة موضع وكذا
 بوطر بول غائب اولان كسنة كسنة جنة حيدر بول
 وغیر تنويع واجارة نسخ اولما كسنة كسنة
 حیوانه كجوانه ابقاء ما كان على ما كان عليه در ارضه اثبات عالم كسنة
 خصوصه

من خبرناظر ان من قال في حق كماله فقد
 قصه كسنة بربع سنين بربع سنين
 وعند كماله كسنة بربع سنين بربع سنين
 وتقدر عدة الوفاة ثم غرر

خصوصه استصحاب مقبره كمال وهو من حبس على من اتهمه
 وموت مفقود صحح اولوب ياضو برودة مرور بینه دك توقف
 اولنور اما مدة مذكوره اختلاف اولنور بینه دك توقف
 انقضاض اقراندر وبعضه كسنة اقران بلكه مفقود در بعضه كسنة
 اقران جميع بلكه اولنور اولنور اولنور اولنور اولنور اولنور
 ان ان اختلاف اقاليم وبلدان سبيلة متفاوتة در جميع اقران
 اعتبار در خرج حكم وارد رتبه تعليل اید را كسنة بن زیاد كسنة امام
 اعظم كسنة اقدور ورتبه اوزره مدة مذكوره يوم وليلة كسنة بوز كسنة
 اوله ولبوينة بين العامة شهر اولان مفقود كسنة ایدر كسنة
 مقداردن زيادة كسنة عيش اتمية بومعنى اتمية في ظهور كماله اكا
 ذب مشهورة دندر معتدرا دكلدر واما كسنة كسنة بوز اولنور
 واما ابو كسنة كسنة بوز كسنة اولوب كسنة بول كسنة بول كسنة
 معتدرة ده موجوده اولنور منقولدر اما امام ابو كسنة كسنة بوز
 حدة مذكوره بوز كسنة اولوب كسنة كسنة بوز كسنة بوز كسنة
 غايبة فتور ورتوب وكسنة بوز كسنة بوز كسنة بوز كسنة بوز
 منقولدر وعند البعض طلق كسنة در كسنة في زماننا اخلد كماله
 وقيل انه الارفق وعليه الفتوى ذكره صاحب الكافي والامام
 الترمذي وبعضه خبر حديث مشهور بوجه اوزر بینه بینه در
 ديكرا كسنة كسنة بوز غايبة حكم را كسنة مفقود در كسنة بوز كسنة
 ومعقوله اقرب اولان بومفاد زوراه جمل مشهور در بركه بركه بركه
 اولنور كسنة بوز كسنة بوز كسنة بوز كسنة بوز كسنة بوز

قال الشيخ في المصنف عليه السلام
 في كسنة بوز كسنة بوز كسنة بوز كسنة بوز كسنة بوز

اول سكون دفع اول نور اربعة سباع مالي تمام بخونكه جمله سر اول نور
ايبكيد روز و زوج فروردني بكم مردت كامل حصص اخذ ايد و سكه
مردود عوليه در صورت هكذا

زوج ۲۴
اخت ۱۶
اخت ۱۶

فصل في المرتد

نحن مرتد عباد الله ارتداد في اوزر نيه مالك و ياتمقتول
اولوب و يادار الحرب على قنه حكم اولوب مالي خصوصيه بدين
اللايه اختلاف اولوب امام عظم مستنده حال اسلامه كسب
الديني مالي مسلم اولان وارثيه اعطى و حال رد تده طالع كسب بيت
الماله وضع اول نور اما ما من قنده فروردني ايك حاله بلكه ايك
مالي وارث مسلمند كذا اما امام شافعيه ايك قوليه دفعي جمله مرتد
بيت الماله وضع اول نور بر قوليه في طريقيه و بر قوليه مال ضايع
طريقيه در وجه **قوله اما ما من** بعد الرد مرتد كذا ايك كسبه
دفعي ملكي باقيد و لو اصله مرتد كذا ديون على الاختلاف في
كسبت القضاء ايك كسبند او اول نور و مستنده و رده سنه
انتقال ايد و نورش قبيل رده مستند اولوب و رده سبب
موت اول فله نوريت المسلم من الميم اولور و يور **اما ما من**
و جمل قول امام اعظم مرتد نورش قبيل الرده موجود اولوب كسب
اسلاميه استناد كان اما حال رد تده كسب ايك مالي مالك زمان اخذ
اولان نوريش استنادي همان دكله كسب رده وقت اسلامه
موجود

موجود اولام فله در **بسم** مرتد كذا مالنده اختلاف اولند نري
ورنه نري نوريشه دفعي امام اعظم روه اختلاف اوزره اولوب
امام سنك بر و اينده مرتد شول سنه وارث اولور هم حال
رد تده وارثيه هم مستنده باقي اولوب باعبار الاستناد و امام ابو
رواسي اوزره مرتد وقت رد تده موجود اولان وارث وارث
اولوب و بعد الرده موت ايكه استحقاق باطل اولان كان رده
منزله موده اول فله مرتد فوت و وارث ترك انش اولور اما امام
محمد رو اينده كذا رو ايند مرتد كذا موده و مستنده موجود اولان
وارث معتد در اجبي زير سبب انعقاد ترك مسكه و كاميند
اول حادث اولان نري اول سبب انعقاد ترك اول طالع حادث
كبيد ردي و مرتد كذا دار الحرب كوفند مسكه اولان كسب بالاجماع في اولور
اهل حرم كسبند اول فله اول اصله كسب كافر دن وارث اولان
اما قبل الحق مرتد كذا كسبي جميعا ورثه مسلمينه و كسب اختلاف
اصحابنا بر امر تده دن حريميت متصور اولان بخوب سبب في دفعي
بولناز **اختلاف المرتد** و زوج مسلم زوج مرتد سنه وارث اولور
خزيره حال عرضنده حق زوجيتي ابطال قصده مرتد اولد بجا
صححه ايك مرتد و مالك اولوب زوج وارث او كاز و مرتد بزم قنده
قتل اولناز بلكه اسلام دعوت ايكول تافوت او بجه يه و كسب اولور
بسم حق زوج رده سببي ايكه مال زوجيه تعلق **اختلاف**
المرتد كذا مرتد دار الحرب لاصقه او كورس عصمت نفسي زائل اولور لاجل
الاسترقاق زير المسترقاق حكما انما فركند كذا عصمت مالي دخر ايكه اولور

من قال ان سبب الخلق لم يصب
كما لا يخفى

رجل ابن
ابن ابن

[illegible]

وهو قبيلة يوت باسمه

ثابت قلنا: خارجی بن زید بن ثابت رضی زید بن روایتی او زه حضرت
ابوبکر رضی اهل یامه نک نورینه لکن حضرت عمر رضی در اصل
طاعون غمناقی نورینه بکار و فرمان میور در قارنده بنده و نور لک است
نزد احماسی و ارثه ایدوب امواتک بعضی بعضند و ارث اعدم دیک
منقوله لکن حضرت علی بن رضی حوب و صفیه قلنا: سنده
اندکوری نوریش طریق منور او زه اولی فی مشهور در سخن یکی اخوند
بری کبیر و بری صغیر اولوب ایکی دفعی بو طریق غرق و نالورین و بری
قرارین و مولای عتاد و هر بر رطف از در هم ترک ایله لبرتم شمرده
هر بر نیک مالی علی صده تقسیم اولوب هر بر نیک امه سه سال و هر بنده
نصف مال و باقی مولای عتاد بیدر صورت

۱۰م	۴۰	۴۰
-----	----	----

۱۵	بنیت	۹۰
۴۰	مولای عتاقه	

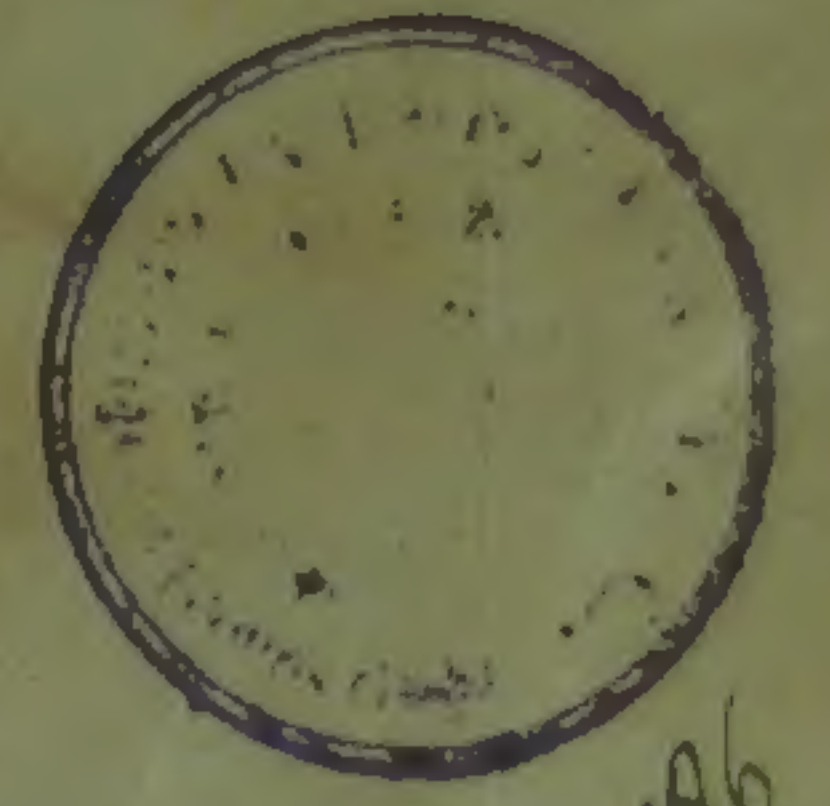
بوصورتی که آن فرزند را یکی ولد زن او تو زده و مولای عتقه یه و حج التمش
در هم اصابت اندر آقا حضرت علی ابن مسعود رضی الله تعالی عنهم یکی را و
سینار نر برنده اولاد اخ اکبر که مومن معتبر اولوب مالکات سیدی امین و نفعی نبشته
و باقی اخ اصغر و بریلوب بعد از اخ اصغر که دخی مالی بومنوالی او زده تقسیم و باقی
اخ اکبر و ویلکه که اخویند هر بر نیک اخو دل حصه ری اولان او تو زده و هر
نر زور زن هر بر نیک حیو نده اولان ور نه سی سینار نده تقسیم اولوب سیدی

بسم الله الرحمن الرحيم

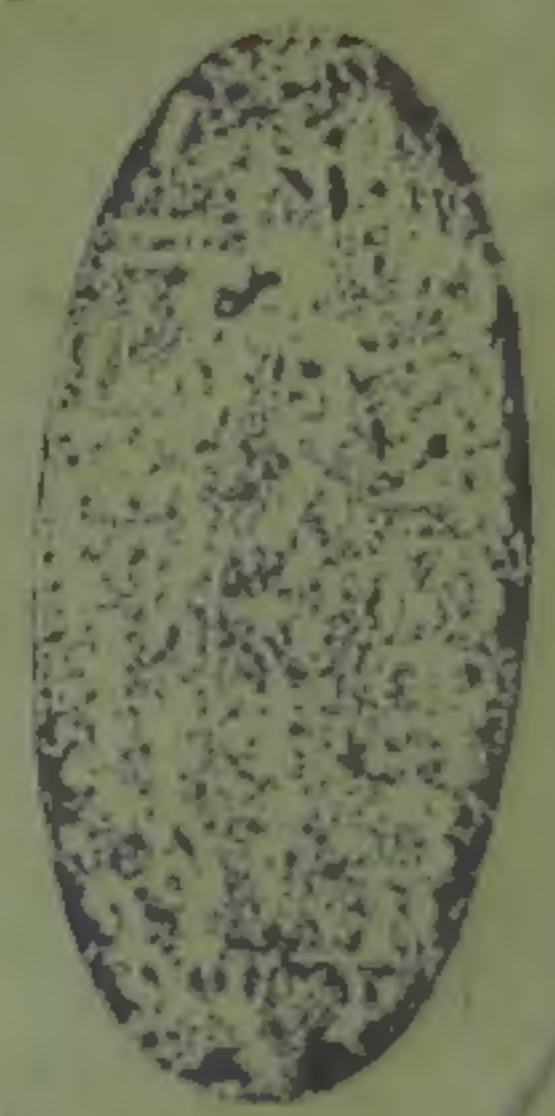
انه تصفي الي بيته باقى مولايه ذكر زير الضوئيد هير كنذر صاحبند لو
اولد بخته صاحب خورث اولماز ^{هكذا} ^{صورة}
مات الاخ الاكبر اولما
أم بنت ٤٥
اخ الكبر أم ٣٠
بنت ١٥
مولا عتاقه ١٥
ثم مات الاخ الاصغر ثانيا

أم بنت ٤٥
اخ اصغر ٣٠
بنت ١٥
مولا عتاقه ١٥

بوتق زير بي اي اخ فالدن ام تر بوبه يه فرق درهم وهر بنت التمش درهم ومولاي
عتاقه يه بكم درهم حصه اصابت التمشه مجموع درهم بوز كس اولور والله اعلم
اعلم بالصواب واليه المرجع والمآب بلغ الخبر الى النهايه يقول من له
التوكل والعناية قد وقع الفراغ من تحريره النسخ الشريفه
عن يد عبد الضعيف الخراج الى رحمه رب الصمد الشهد بقوله محمد ابن
الشيخ محمد المعروف بقومه امام زاده الكاتب بحكمه مدينه ودينه
غفر الله له ولوالديه ولين الحسن اليه ما واليه في اليوم الغدير من
شهر ربيع الاول الحرام سنة خمس واربعين ومائه والتم في وقت
بين الصلوات من يوم الاحد من محرمه من ادعوه الارشاد
لعمارة العباد الى سبيل الرشده والتدعيم لكل النعمه الى يوم التناد
لست اهدي سوى الصلوة اليه يا فيض الوجود صل عليه
وعلى آله واصحابه وارسله وادابه
تمت الكتاب
الله الملك القوي



8086



Schweizerische Eidgenossenschaft
Sigmur
282

براستان با خود عورت یا خود او شایع نمود با الله تعالی
استسقا مرضنه مبتلا اولم بر کلب انکلی یوغالیو
بهار ایلمه فرونده بشروب اوج دفعه آنجه قونله یدر سیر لور
با الله تعالی شیش لری کیدوب شفا بولم غایت مجربدر
از قیرده برکنه عیش با الله تعالی افاقت بولدم جو بجا سولدر
دیندن اشدوب قاضی لطف الله افندز کتبه محمد حسین افغاندن
منقولدر

